

# رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۹۷۴۷

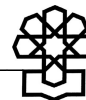
تیر ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات اقتصادی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. نظام‌ها و نظریه‌های تعیین نرخ ارز
۱۰	۲. پیشینه و چگونگی تعیین نرخ ارز در ایران
۲۰	۳. تأثیر نرخ ارز بر صادرات در ایران
۳۰	۴. تأثیر نرخ ارز بر واردات در ایران
۳۱	۵. نظرات موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز
۴۱	جمع‌بندی
۴۲	نتیجه‌گیری
۴۴	پیشنهادها
۴۵	منابع و مأخذ



## رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات

### چکیده

اهمیت و تأثیر بالای نرخ ارز بر صادرات و واردات ایران به حدی است که گروهی آن را مهم‌ترین عامل در تبیین تحولات صادرات و واردات کشور دانسته‌اند. اختلاف‌نظرهای موجود درباره میزان کنونی نرخ ارز و آثار و مشکلاتی که صادرکنندگان و تولیدکنندگان داخلی در مواجهه با نرخ ارز موجود دارند، لزوم بررسی دقیق‌تر این رابطه را ضروری می‌کند.

در این بررسی ابتدا به نظام‌های ارزی و نظریه‌های علمی تعیین نرخ ارز، پیشینه نرخ ارز و وضعیت کنونی آن در ایران اشاره شده است. سپس با بررسی مطالعات تجربی صورت گرفته در کشور درباره تأثیر نرخ ارز بر صادرات و واردات و دلایل موافقین و مخالفین افزایش یا کاهش نرخ ارز، به جمع‌بندی این نظرات و ارائه پیشنهاد برای اصلاح نظام ارزی پرداخته شده است.

جمع‌بندی مطالب نشان می‌دهد که با توجه به تأثیرات متفاوت نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی، نمی‌توان سطح مناسبی برای آن پیدا کرد که تمام اهداف مختلف اقتصادی را برآورده کند. بنابراین باید سیاست‌های مکمل برای آثار نامطلوب هر سطحی از نرخ ارز در نظر گرفته شود. همچنین علت اختلاف‌نظرهای گسترده در خصوص میزان نرخ ارز، تعیین تصنعی نرخ آن و عدم انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی‌پذیری نظام ارزی کشور و تسلط بالای دولت بر آن است.

مطالعات تجربی انجام شده در کشور درباره تأثیر نرخ ارز بر صادرات را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مطالعاتی است که تنها به تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات پرداخته‌اند و در مقابل گروه دوم علاوه بر تأثیر مستقیم به تأثیر غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات از طریق متغیرهایی مانند تولید ناخالص داخلی و تورم نیز توجه کرده‌اند.

تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات در هر دو گروه مطالعات مثبت برآورد شده است. اما وجود تأثیرات غیرمستقیم منفی در مطالعات گروه دوم و اختلاف به دست آمده در تأثیر مجموع (مستقیم و غیرمستقیم) نرخ ارز بر صادرات در نتایج مطالعات گروه دوم مانع از نتیجه‌گیری متقن و صریح در این خصوص است.

رابطه نرخ ارز با واردات نیز همان‌گونه که تئوری مورد وفاق اقتصاددانان بیان می‌کند، رابطه‌ای معکوس است.

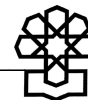


## مقدمه

یکی از اصلی‌ترین، تأثیرگذارترین و چالش‌برانگیزترین متغیرهای اقتصادی نرخ ارز است. نرخ ارز عبارت است از: قیمتی که در آن می‌توان پول ملی را با پول کشورهای دیگر مبادله کرد. به دلیل اینکه پول بر همه متغیرهای حقیقی اقتصاد (تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و غیره) تأثیر می‌گذارد، در نتیجه انتظار اینکه تعیین قیمت آن در مقایسه با پول کشورهای دیگر نیز بر همه متغیرهای اقتصاد داخلی و نیز جایگاه و نوع رابطه اقتصادی کشور با کشورهای دیگر تأثیر بگذارد، انتظار نامعقولی نیست. این تأثیر بالا و همچنین تأثیری که تغییر دیگر متغیرهای اقتصادی می‌توانند بر نرخ ارز بگذارند، موجب شده است که همواره تعیین نرخ ارز و میزان آن از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان اقتصادی باشد.

در گذشته وقتی از طلا و فلزات قیمتی به عنوان پول و وسیله مبادله استفاده می‌شد مشکل تعیین نرخ ارز وجود نداشت و بازرگانان و مسافرانی که به دادوستد با دیگر کشورها می‌پرداختند به راحتی این مبادلات را با توجه به ارزش طلا و فلزات قیمتی موجود در سکه‌ها، انجام می‌دادند. پس از آنکه اسکناس و پول کاغذی کنونی ایجاد شد از آنجاکه طلا پشتوانه آن بود و حتی اسکناس در ازای میزان معینی طلا قابل تبدیل بود، باز هم مشکلی به نام تعیین نرخ ارز مطرح نبود. زیرا اسکناس و واحد پولی هر کشور در هر زمان به میزان معینی طلا تبدیل می‌شد و مازادها و کسری‌های تراز تجاری با حرکت طلا به سمت کشور دارای مازاد، مرتفع می‌شد که از این دوران به دوران «پایه پولی طلا» یاد می‌شود.

مشکل از زمانی ایجاد شد که کشورهای اروپایی به دلیل حضور در جنگ جهانی قابلیت تبدیل پول خود به طلا را به طور موقت لغو کردند و پس از جنگ نیز به دلیل کسری بودجه و هزینه‌های جنگ نتوانستند رابطه قبلی را دوباره احیا کنند. پس از جنگ جهانی دوم در راستای بازسازی نظام مالی بین‌المللی کشورها در برتون وودز جمع شدند و در آنجا نماینده آمریکا توانست پیشنهاد خود را برای نظام ارزی جدید جهان به کرسی بنشانند، براساس آن قرار شد که دلار به عنوان ارز واسط بین‌المللی انتخاب شود و رابطه‌ای میان دلار و طلا وجود داشته باشد (هر ۳۵ دلار یک اونس طلا) و باقی‌مانده ارزها نیز رابطه خود را با دلار تعیین کردند و البته هر نرخ ارز می‌توانست تا یک درصد نیز حول نرخ تعیین شده خود نوسان کند. بعدها ایالات متحده از این موقعیت خود سوءاستفاده کرد و با تجاوز از نرخ تعیین شده میان دلار و طلا به انتشار بیش از حد دلار، خرید و سرمایه‌گذاری در جهان پرداخت و آن قدر این کار را ادامه داد تا آنکه تردید کشورهای مختلف به این جریان سبب تقاضای بالای آن کشورها به دریافت طلا در ازای پرداخت دلار شد. در این شرایط نیکسون (رئیس‌جمهور وقت آن کشور) در سال ۱۹۷۱ رابطه طلا با دلار را لغو کرد تا پس از یک دوره سوءاستفاده ایالات متحده آمریکا دوران جدیدی در نظام ارز بین‌الملل آغاز شود.



## ۱. نظام‌ها و نظریه‌های تعیین نرخ ارز

### ۱-۱. نظام‌های مختلف ارزی

باتوجه به تغییرات به وجود آمده درخصوص پشتوانه پول و چگونگی مبادلات بین‌المللی با ارزهای متفاوت، کشورهای مختلف جهان هر یک نظام ارز خاص خود را انتخاب کردند. در ادامه به توضیح مختصر نظام‌های مختلف ارزی و مزیت‌ها و نواقص هر یک می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۱. نظام ارز شناور

در چارچوب این نظام - که بیشتر به وسیله کشورهای توسعه یافته انتخاب شده است - نرخ‌های ارز می‌توانند به طور آزاد نوسان داشته باشند و مقادیر تعادلی آنها فقط به وسیله نیروهای بازار تعیین می‌شود. نظام شناور ارز حالتی افراطی است که در آن بانک‌های مرکزی در بازار ارز دخالت نمی‌کنند و در واقع تسویه بازار ارز براساس عوامل بازار است. به عبارت دیگر براساس این نظام، قیمت ریالی یک نرخ ارز کاملاً شبیه قیمت یک کالا بوده که از برخورد منحنی‌های عرضه و تقاضای آن ارز به دست می‌آید.

در طرف تقاضا یکی از دلایل اصلی که اشخاص متقاضی ارز هستند، خرید کالا و خدمات از کشور دیگر یا ارسال مستقیم به خارج است. دومین دلیل، خرید دارایی‌های مالی در یک کشور به واسطه تمایل به افتتاح حساب بانکی خارجی، خرید سهام یا اوراق قرضه خارجی یا کسب مالکیت مستقیم سرمایه فیزیکی است.

در نهایت دلیل سوم تقاضای ارز اجتناب از زیان یا کسب سود است که می‌تواند به تغییرات نرخ ارز منجر شود. افرادی که فکر می‌کنند ارزش پول خارجی در آینده افزایش خواهد یافت به امید کسب سود به خرید ارز و فروش آن در قیمت‌های بالاتر در دوره‌های آتی می‌پردازند. این عملیات ریسک‌پذیر، سوداگری ارز نامیده می‌شود.

عوامل عرضه ارز برای یک کشور می‌تواند از صادرات کالا و خدمات، دریافت کمک‌های خارجی بلاعوض، سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله خرید اوراق قرضه کشور آنها و عملیات سوداگری و خرید و فروش تأمین‌های خارجی ایجاد شود.

از مزایای این نظام می‌توان به شفاف شدن اطلاعات اقتصادی به ویژه برای جهت‌دهی و سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی، انعکاس آخرین تغییرات مزیت‌های نسبی، ایجاد حفاظ و حاشیه امنیت در مقابل انتقال آثار شوک‌های خارجی به اقتصاد داخلی و حفظ استقلال عمل در سیاست‌گذاری پولی و مالی اشاره کرد.

با وجود مزایایی که ذکر شد، این نظام در مواردی سبب بروز ناپایداری در نرخ ارز می‌شود که



می‌تواند فعالان اقتصادی را در تصمیم‌گیری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها با مشکل روبه‌رو کند. همچنین می‌توان به تشدید بورس‌بازی در این بازار اشاره کرد که یکی از معایب اصلی آن است.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۲. نظام نرخ ارز ثابت

در نظام نرخ ارز ثابت مقامات پولی کشورها سعی می‌کنند تا با مداخله در بازار ارز، نرخ ارز تعیین شده را ثابت نگاه دارند. حال اگر افزایش تقاضا برای پول خارجی منجر به افزایش نرخ ارز به حدی فراتر از مقدار اعلام شده شود، مقامات پولی با دخالت در بازار و عرضه ارز به حفظ نرخ اعلام شده، اقدام می‌کند. چنانچه بنابه دلایلی مانند افزایش قابل ملاحظه صادرات کشور و به دنبال آن افزایش عرضه ارز، نرخ ارز کاهش یابد مقامات پولی با ورود به بازار و خرید ارز نرخ آن را تا حد تعیین شده افزایش می‌دهد.

مزیت اصلی این نظام، ایجاد ثبات در نرخ ارز است که باتوجه به تأثیر بالای ارز بر اکثر متغیرهای اقتصادی می‌تواند سبب ایجاد ثبات اقتصادی شود.

البته استفاده از این نظام مستلزم وجود ذخایر کافی ارز نزد بانک مرکزی است. همچنین دخالت بانک مرکزی و خرید و فروش پول داخلی برای تثبیت نرخ ارز موجب می‌شود که ابزار سیاست پولی کشور صرف تثبیت نرخ ارز و رفع عدم تعادل در متغیرهای کلان داخلی شود. مهم‌ترین اشکال این نظام عدم تخصیص کارآمد منابع اقتصادی است. انعطاف‌پذیر نبودن قیمت ارز موجب بروز اختلال قیمتی شده و به فعالان اقتصادی علائم گمراه‌کننده می‌دهد.

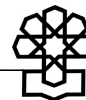
### ۱-۱-۳. نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل<sup>۲</sup>

ترکیبی از ویژگی‌های نظام‌های نرخ ارز ثابت و شناور که خصیصه‌های مطلوب آن را داشته و ویژگی‌های نامطلوب را حداقل کند، در نظام‌های تلفیقی ارز تجلی یافته که نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل یکی از آنهاست.

براساس این نظام، ابتدا نرخ برابری ارز و حدود مجاز نوسانات نرخ ارز پیرامون مقدار تعیین شده مشخص می‌شود. امکان آزادی عمل سیاست‌های پولی مختلف به میزانی فراهم است که نرخ ارز از دامنه مجاز تعیین شده فراتر نرود. در نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل در صورت بروز کسری یا مازاد تراز پرداخت‌ها به دلیل امکان تغییر نرخ ارز در محدوده مجاز، می‌توان بخشی از آن را رفع کرد.

۱. اکبر کمیجانی، و آقامیر کلایی، گذر از نظام چندگانه ارزی به نظام نرخ واحد ارز: دغدغه‌ها و دستاوردها، نشریه مجلس و پژوهش شماره ۳۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۶۵.

2. Adjustable peg exchange rate system



#### ۴-۱-۱. نظام نرخ ارز میخکوب خزنده

به منظور اجتناب از اشکالات نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل از جمله تغییرات به نسبت وسیع نرخ برابری ارز که موجب بی اعتباری پول داخلی و سوداگری ارزی می شود، نظام نرخ ارز میخکوب خزنده طراحی شده است.<sup>۱</sup>

در این نظام اگرچه کشورها ابتدا نرخ ارز مشخصی را تعریف و سپس دامنه نوسانات مجاز نرخ برابری ارز را تعیین می کنند، اما برخلاف نظام میخکوب قابل تعدیل در صورتی که در این نظام کسری یا مازاد تراز پرداختها به وجود آید، تغییر نرخ برابری ارز باید، از قبل اعلام شده و به صورت تدریجی در فاصله های زمانی کاملاً مشخصی صورت گیرد.

برای مثال در صورتی که سیاست مقتضی تا رسیدن به نرخ ارز تعادلی، کاهش ارزش پول کشور به میزان ۱۰ درصد باشد. نرخ برابری ارز به صورت خزنده و با کاهش ارزش پول در چهار ماه و به ازای هر ماه ۲/۵ درصد به مقدار تعادلی خود می رسد. بنابراین در صورت کارایی سازوکار ابزار نرخ بهره یا ابزاری مشابه آن در اقتصاد، می توان با تغییر متناسب نرخ سود یا بهره کوتاه مدت، از انجام فعالیت های سوداگرانه ارز - که با هدف کسب سود و به دنبال اعلام برنامه تغییر نرخ برابری ارز صورت می گیرد - جلوگیری کرد.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نظام نرخ ارز میخکوب خزنده به دلیل اینکه نرخ ارز سقف و کف را مشخص می کند، می تواند تا حدودی انضباط پولی را تضمین و آثار شدید محتمل بر اقتصاد کشور را - که در نظام ارز شناور متصور است - محدود کند.

#### ۵-۱-۱. نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده

در نظام های ارزی مبتنی بر نرخ ارز ثابت یا شناور فرض بر آن بود که یا باید به طور محض ثابت بودن نرخ ارز را پذیرفت یا نرخ کاملاً انعطاف پذیر را قبول کرد. اما در نظام ارز شناور مدیریت شده اصلی ترین موضوع، شناخت میزان بهینه دخالت دولت در بازار ارز است.

در این نظام دستورالعمل و قواعد مشخصی برای مداخله دولت، نرخ های برابری ارز یا نرخ های هدف اعلام شده و محدوده مشخصی برای نوسانات مجاز نرخ ارز وجود ندارد. در واقع مسئولان پولی هنگامی در بازار ارز مداخله می کنند که تشخیص دهند این اقدام سودمند و ضروری است.

در حمایت از این نوع نظام گفته می شود که در این نظام ضوابط رسمی و اعلام شده ای وجود ندارد و مقامات پولی می توانند با توجه به مقتضیات مکانی و زمانی غیرقابل پیش بینی در بازار ارز دخالت کنند و بر سیاستها و قواعد نامناسب قبلی متکی نباشند.

۱. دومینیک سالواتوره، مالیه بین الملل، نشر نی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱.



به‌عنوان برتری نسبت به نظام ارز ثابت، این نظام مجاز است تا در تعدیل بخش خارجی نقش ایفا کرده و سیاست‌های داخلی نیز در آن محدود نمی‌شوند.

این نظام در مقایسه با نظام ارز شناور می‌تواند نوسانات وسیع نرخ ارز را که ممکن است اثری ناسازگار بر سطح قیمت، ریسک‌پذیری و حرکت منابع داشته باشد، تعدیل کند.

از اشکالات این نظام، مداخله کشورها با نام‌هایی همچون حمایت از نرخ ارز است که در نتیجه آن در بازار ارز ریسک تخصیص نامناسب منابع براساس مزیت نسبی به‌وجود می‌آید.

## ۱-۲. نظریه‌های مختلف تعیین نرخ ارز

جدای از نظام‌های ارزی مختلف که می‌تواند با توجه به مقتضیات هر کشور مورد استفاده قرار گیرد، مسئله مهم دیگری که به‌دلیل نظری اهمیت دارد، چگونگی تعیین نرخ ارز تعادلی و پی‌بردن به سازوکاری است که نرخ ارز براساس آن تعیین می‌شود.

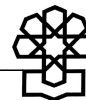
در تعیین نرخ ارز چهار نظریه اصلی وجود دارد که در ذیل به آنها می‌پردازیم. دو نظریه اول که نظریه‌های سنتی‌ترند به تفسیر تغییرات نرخ ارز در بلندمدت می‌پردازند و دو نظریه دوم که نظریه‌های جدیدتری هستند بیشتر به نوسانات نرخ‌های ارز در کوتاه‌مدت تأکید دارند. اما همان‌طور که دومینیک سالواتوره از اساتید مطرح اقتصاد بین‌الملل بیان می‌دارد: «با اینکه نظریه سنتی یا بلندمدت و نظریه مدرن یا کوتاه‌مدت هر دو از اهمیت آشکاری برخوردارند، ولی یک نظریه جامع که ادغام این دو باشد و نظریه واحدی را برای نرخ ارز ارائه کند، به‌طور کامل ارائه نشده است»<sup>۱</sup>.

### ۱-۲-۱. رهیافت تجاری یا رویکرد کشش‌ها

از نظر این رهیافت، نرخ برابری تعادلی ارز، نرخ است که در آن ارزش واردات و صادرات یک کشور برابر شود. زیرا زمانی که ارزش واردات از ارزش صادرات بیشتر باشد یعنی کشور با کسری تجاری روبه‌رو شود، در نظام شناور ارز، نرخ مبادله ارز افزایش یافته و ارزش پول داخلی کم می‌شود. در نتیجه صادرات به خارج ارزان شده و واردات گران می‌شود. این امر منجر به افزایش صادرات و کاهش واردات و ایجاد تعادل تجاری می‌شود. از آنجا که سرعت این تعدیل به کشش مقدار واردات و صادرات نسبت به تغییرات نرخ مبادله ارز بستگی دارد، این نظریه را رویکرد کشش‌ها نامیده‌اند.

در این رهیافت فقط بر تجارت یا جریان کالا و خدمات در تعیین نرخ ارز تأکید شده و بر نقش جریان بین‌المللی سرمایه (که به‌خصوص در نوسانات کوتاه‌مدت بسیار مؤثر است) پرداخته نشده

۱. دومینیک سالواتوره، مالیه بین‌الملل، نشر نی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۵.



است. ناتوانی این نظریه در تبیین بسیاری از نوسانات و تغییرات نرخ ارز موجب شده که از آن تنها در تعیین نرخ مبادله ارز در بلندمدت استفاده شود.

## ۲-۲-۱. نظریه برابری قدرت خرید

رهیافت دیگر در تعیین نرخ ارز در بلندمدت نظریه‌ای است که نرخ مبادله ارز میان دو کشور را نسبتی از سطح عمومی قیمت‌ها در آن دو کشور می‌داند. براساس این رویکرد نرخ ارز باید به‌گونه‌ای تعیین شود که قیمت یک کالای یکسان در دو کشور، یکسان شود (قانون قیمت واحد).

این نظریه فرضی ضمنی، از جمله عدم وجود هزینه‌های حمل‌ونقل، تعرفه‌ها یا سایر محدودیت‌های تجاری دارد. به‌نحوی که تمام کالاها در سطح بین‌الملل قابل مبادله‌اند و هیچ تغییر ساختاری نیز رخ نمی‌دهد. در نتیجه در صورتی که نرخ ارز موجود قانون قیمت واحد را رعایت نکند با آربیتراژ<sup>۱</sup> کالا، نرخ ارز به نرخ تعادلی خود می‌رسد.

به‌دلیل فرض مطلق این نظریه، نظریه دیگری با عنوان برابری قدرت خرید نسبی پدید آمد که در آن تغییرات نرخ ارز را با تغییر نسبی سطح قیمت‌های دو کشور متناسب می‌داند. به‌گونه‌ای که با داشتن نرخ ارز در سال پایه می‌توانیم با توجه به تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در دو کشور در فاصله سال پایه تا زمان حال، نرخ ارز تعادلی فعلی را مشخص کنیم.

البته نظریه برابری قدرت خرید نسبی، مانند نظریه برابری قدرت خرید مطلق، با مشکلاتی روبه‌رو است از جمله اینکه تمام کالاها و خدمات قابل تجارت نیستند. کالاها و خدمات به دو دسته قابل تجارت و غیرقابل تجارت تقسیم می‌شوند، قابل تجارت بودن یعنی در مکانی دور از جایی که تولید شده‌اند، قابل فروش باشند. مسکن و مستغلات و خدماتی مانند آرایشگری و تاکسی‌رانی نمونه‌هایی از کالاهای غیرقابل تجارت هستند. در نتیجه مبادله یک کالای غیرقابل تجارت ممکن نیست و قانون قیمت واحد رعایت نخواهد شد.

از آنجا که شاخص عمومی قیمت‌ها شامل قیمت کالاها و خدمات تجاری و غیرتجاری می‌شود و قیمت کالاها و خدمات غیرتجاری حتی با آزادی تجارت بین‌الملل در کشورها مساوی نخواهد شد (در کشورهای توسعه‌یافته بیش از کشورهای در حال توسعه است)، لذا نظریه برابری قدرت خرید در کشورهای توسعه‌یافته کمتر از واقعیت و در کشورهای در حال توسعه بیشتر از واقعیت تخمین زده می‌شود و هر چه اختلاف کشورها از نظر توسعه‌یافتگی بیشتر باشد، انحراف میان این تخمین‌ها نیز بیشتر است.<sup>۲</sup>

۱. به‌دست آوردن سود از تفاوت قیمت در دو بازار (Arbitrage).

۲. دومینیک سالواتوره، مالیه بین‌الملل، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴.



### ۳-۲-۱. رویکرد پولی

در این رویکرد، پول نقش اساسی را در ایجاد تغییرات بلندمدت تراز پرداختها و تعیین نرخ ارز ایفا می‌کند. عدم تعادل عرضه و تقاضای کل پول ملی موجب عدم تعادل تراز پرداختها شده و براساس نوع نظام ارزی کشور بر نرخ ارز یا تراز پرداختها تأثیر می‌گذارد تا مجدداً تعادل عرضه و تقاضای پول را برقرار سازد. در این دیدگاه عرضه پول تابعی از جزء داخلی پایه پولی ملی، جزء خارجی آن و ضریب فزاینده است:

$$M_s = m(D+F)$$

در این معادله  $M_s$  عرضه پول ملی،  $m$  ضریب فزاینده پول،  $D$  جزء داخلی و  $F$  جزء خارجی پایه پولی ملی هستند.

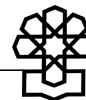
سطح تقاضای پول نیز تابعی از درآمد حقیقی، سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ بهره است. البته در بیان ساده این رویکرد تنها به دو متغیر درآمد حقیقی و سطح عمومی قیمت‌ها اشاره شده که هر چقدر میزان آنها بیشتر باشد تقاضای پول از سوی اشخاص و بنگاه‌ها برای انجام معاملات روزمره بیشتر خواهد شد. معادله رویکرد ساده تقاضای پول به شرح ذیل است:

$$M_d = \frac{1}{V} PY$$

در این معادله  $M_d$  تقاضای پول،  $V$  سرعت گردش پول،  $PY$  تولید یا درآمد ملی اسمی است. در یک نظام نرخ ارز ثابت اگر تقاضای پول فزونی یابد و مقامات پولی کشور جزء داخلی پایه پول ملی را به میزانی که این افزایش تقاضا را پاسخ دهد، افزایش ندهند، این امر موجب جریان ورودی ذخایر بین‌المللی و مازاد تراز پرداختها می‌شود. ورود جریان ذخایر بین‌المللی موجب افزایش جزء خارجی پایه پول ملی و عرضه پول شده و تا تعادل مجدد عرضه و تقاضای پول ادامه می‌یابد. در مقابل افزایش میزان عرضه پول در مقابل تقاضای آن، منجر به جریان خروج سرمایه و کسری تراز پرداختها به میزانی می‌شود که مازاد عرضه پول را در کشور از بین ببرد. بنابراین در بلندمدت و تحت نظام نرخ ارز ثابت، مقامات پولی کنترلی بر عرضه پول نخواهند داشت.

تحت یک نظام نرخ ارز شناور، عدم تعادل در عرضه و تقاضای پول موجب عدم تعادل ترازپرداختها می‌شود، اما این عدم تعادل به سرعت با تغییر نرخ ارز از بین رفته و جریان بین‌المللی پول یا ذخیره، ایجاد نمی‌شود و مقام پولی نیز بر عرضه پول و سیاست‌های پولی تسلط خود را حفظ می‌کند.

در نتیجه نرخ ارز به نرخ رشد عرضه و تقاضای پول یک کشور در مقابل عرضه و تقاضای پول دیگر کشورها بستگی خواهد داشت. شایان ذکر است که در مدل پیچیده رویکرد پولی تقاضای



پول (و در نتیجه نرخ ارز) از انتظارات تورمی و تفاوت نرخ بهره کشورها نیز تأثیر می‌پذیرد.<sup>۱</sup> رویکرد پولی نیز در تعیین نرخ ارز و تغییرات آن در دوره پس از سال ۱۹۷۳ با ابهاماتی روبه‌رو شد. این رویکرد بیش از حد بر نقش پول تأکید می‌کند و نقش تجارت را به‌عنوان عنصر مهم و تعیین‌کننده نرخ ارز به‌ویژه در بلندمدت نادیده می‌گیرد. همچنین در این رویکرد دارایی‌های مالی خارجی و داخلی از جمله اوراق قرضه جانشین کاملی برای یکدیگرند که در واقع چنین نیست.

#### ۴-۲-۱. رویکرد تراز موجودی اوراق بهادار

افراد و بنگاه‌ها ثروت مالی خود را به‌صورت ترکیبی از پول داخلی و اوراق قرضه داخلی و خارجی نگه می‌دارند.

نگهداری ثروت مالی به شکل نقد (پول داخلی) ریسک صفر دارد؛ اما شخص را از نرخ سود احتمالی محروم می‌کند. البته افراد همواره مقداری پول نقد برای انجام معاملات نگاه می‌دارند.

در رویکرد تراز موجودی اوراق بهادار باتوجه به معادلات ریاضی تقاضای افراد کشور برای پول داخلی و اوراق قرضه‌های داخلی و خارجی، به رابطه زیر برای تعیین نرخ ارز دست می‌یابیم که در آن  $R$  نرخ ارز،  $i$  نرخ بهره داخلی،  $i^*$  نرخ بهره خارجی،  $W$  کل ثروت جامعه،  $F$  نرخ اوراق قرضه خارجی و  $c$  یک ضریب است.

$$R = \frac{c(i, i^*)W}{F}$$

براساس فرمول بالا نرخ ارز تابع مستقیمی از نرخ بهره خارجی و کل ثروت جامعه و تابعی معکوس از نرخ بهره داخلی و اوراق قرضه خارجی است. از کاستی‌های اصلی مدل به فرم ارائه شده در بالا، در نظر نگرفتن مبادلات تجاری، درآمد حقیقی و انتظارات در مدل است.<sup>۲</sup>

باتوجه به رویکردها و نظریه‌های بالا و همچنین مزایا و معایب نظام‌های مختلف ارزی می‌توان عنوان کرد که به‌رغم مطالعات متعددی که - درخصوص الگوهای مختلف تعیین نرخ ارز - انجام شده؛ نتایج یکسانی حاصل نشده و گاهی نتایج متفاوت و مغایر یکدیگر نیز بوده‌اند. براساس شواهد تجربی، این الگوها موفقیت چندانی در تبیین گذشته نرخ ارز و پیش‌بینی روند آتی آن نداشته‌اند و این امر جهت‌گیری‌های جدیدی درباره الگوسازی نرخ ارز ایجاد کرده است.

«در جهت‌گیری‌های جدید الگوسازی نرخ ارز سعی شده در بلندمدت از متغیرهای اساسی اقتصاد (سطح قیمت‌ها، نرخ‌های بهره، تراز پرداخت‌ها و عرضه پول) و در کوتاه‌مدت از تحلیل‌های تجربه‌گرایانه نیز استفاده شود. در بلندمدت، اساس الگوسازی نرخ ارز مبتنی بر نظریه‌های برابری

1. Dominic Salvatore, International Economic, John Wiley & Sons, 2007 533-542.

۲. عباس شاکری، آثار یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مهر ۱۳۸۲.



قدرت خرید، الگوهای پولی و غیره است. تحلیل‌های کوتاه‌مدت در این الگوها تلفیقی از متغیرهای بنیادی و تحلیل‌های تجربه‌گرایانه است. در جهت‌گیری‌های جدید عمدتاً سعی بر آن است تا نوسانات کوتاه‌مدت ارز در قالب یک الگوی مبتنی بر عوامل غیراقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

## ۲. پیشینه و چگونگی تعیین نرخ ارز در ایران

### ۲-۱. پیشینه نرخ ارز در ایران

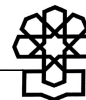
پیشینه تاریخی بخش خارجی اقتصاد، حاکی از این واقعیت است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظام حاکم بر بخش ارزی کشور، نظام نرخ ارز ثابت بوده است که براساس مقتضیات زمان و باتوجه به توانمندی‌های مالی خارجی، نرخ اسعار از طرف دولت تنظیم و تعیین شده است. برای مثال در شهریور ۱۳۲۰ نرخ رسمی دلار آمریکا ۳۵ ریال اعلام شد و سپس این نرخ تا سال ۱۳۴۶ مثال در شهریور ۱۳۲۰ نرخ رسمی دلار آمریکا ۳۵ ریال اعلام شد و سپس این نرخ تا سال ۱۳۴۶ باتوجه به مقتضیات و امکانات روز با نوسان همراه بود تا در نهایت در ۷۵ ریال تثبیت شد. اما کنترل و نظارت دولتی و سهمیه‌بندی ارزی و تعیین اولویت‌های کشور برای مصارف ارزی همچنان تا سال ۱۳۵۲ - که مصادف با افزایش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و افزایش قابل ملاحظه درآمدهای کشور از محل صادرات نفت بود - حفظ شد. در سال ۱۳۵۲ با حفظ نظام ثابت ارزی، ریال به‌طور آزاد و به دور از سهمیه‌بندی قابل تبدیل شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز سیاست کنترل ارزی ادامه یافت. در تمام سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فشارهای بسیار شدیدی به‌دلیل شرایط جنگ تحمیلی، کاهش امکانات صادرات نفت، افزایش تقاضا برای واردات، کاهش قیمت نفت و قدرت خرید دلار در سطح بین‌المللی و نظایر آن در جهت تضعیف ارزش ریال در بازار ارزی کشور وارد می‌شد. در این دوران هدف دولت این بود که ارزش رسمی ریال را ثابت نگه دارد، بنابراین ناچار بود سیاست‌های شدیداً مداخله‌گرایانه‌ای در بازار ارز اعمال کند.

در سال ۱۳۵۹ با آغاز جنگ تحمیلی و ایجاد شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از کاهش درآمدهای ارزی و نیاز به واردات، دستیابی به هدف حمایت از ارزش رسمی ریال در نرخ تعیین شده مشکل‌تر شد.

از این‌رو همیشه همراه با محدودیت‌ها و کنترل‌های اعمالی دولت، بازاری به‌صورت موازی ایجاد می‌شود که نیازهای قشر خاصی از جامعه را که تقاضایشان بی‌جواب مانده است، پاسخ دهد. بنابراین

۱. حسین صمصامی، بررسی و تدوین الگوی تعیین نرخ ارز مناسب، دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۸.



بازار آزاد ارز به تدریج شکل گرفت و سیر صعودی اسعار در آن آغاز شد. در این سالها به منظور تشویق صادرات غیرنفتی و جذب منابع ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی به سیستم رسمی کشور، به ازای هر دلار مبلغی حدود ۳۵۰ ریال اضافه بر نرخ برابری رسمی ریال با دلار پرداخت شد.

با پایان یافتن جنگ و کاهش مشکلات و موانع برون‌مرزی، ادامه سیاست‌های اداری و کنترل شده در تخصیص عوامل تولید منطق خود را از دست داد. از این رو سیاست‌های اقتصادی با هدف دستیابی به وضعیتی متعادل و قابل قبول مورد تجدیدنظر قرار گرفت و خطوط اصلی آن در قانون برنامه اول توسعه ترسیم شد که عمده‌ترین سیاست‌های اقتصادی آن، اصلاح نظام ارزی کشور بود. به این منظور از نیمه دوم سال ۱۳۶۸ نرخ‌های ترجیحی برای دلار آمریکا اعلام شد. اگرچه مسیر حرکت نرخ‌های اعلام شده، معکوس انتظارات عقلایی بود. به طوری که در آغاز نرخ ترجیحی - رقابتی هر دلار آمریکا ۱۰۰۰ ریال اعلام شد. سپس در سه ماه این نرخ به ۹۷۵ ریال، سپس به ۸۰۰ ریال و در نهایت در سال ۱۳۶۹ (به صورت دستوری و اداری) به ۶۰۰ ریال تبدیل شد؛ ولی عملکرد کلی آن بازکردن فضای لازم برای تعدیل نرخ ۷۰ ریالی برای هر دلار بود که حدود ۲۰ سال ثابت مانده بود.

در آغاز سال ۱۳۷۲ نظام ارزی کشور از نظام نرخ ارز ثابت به یک سبد ارزی (حق برداشت مخصوص) به نظام ارز شناور مدیریت شده تبدیل شد. چنانچه در سه ماه نخست اجرای آن از جمله سیاست‌های موفق بود؛ اما بسیاری از عوامل اقتصادی و گاهی سیاسی مانع استمرار آن شد. از جمله این عوامل می‌توان به افزایش حجم گشایش‌های اعتبارات اسنادی سررسید شده، بروز بحران در بدهی‌های خارجی و تلاش در جهت استمهال آنها، پررنگ شدن مجدد بازار ارز آزاد و ایجاد شکاف میان نرخ آن با نرخ اعلام شده رسمی، عدم توانایی بانک مرکزی برای انجام تعهد خود مبنی بر بازگذاشتن حساب سرمایه و فروش ۵۰۰۰ دلار ارز به هر متقاضی، اشاره کرد.

در نتیجه دولت از نیمه دوم سال ۱۳۷۳ از سیاست مبتنی بر نظام شناور ارز صرف‌نظر کرد و سیاست جدیدی براساس تثبیت ارزش ریال و تعدیل آن برحسب ضرورت در پیش گرفت و کنترل‌های ارزی شدیدی نیز اعمال شد. در سال ۱۳۷۴ حساب سرمایه مجدداً بسته و بازار ارز آزاد غیرقانونی اعلام شد.

گذر از دوران بحران و تثبیت شرایط اقتصادی و موفقیت در پرداخت بخشی از بدهی‌های خارجی وضعیت ارزی کشور را بهبود بخشید. از طرف دیگر با هدف تشویق صادرات غیرنفتی امتیازهایی به دست‌اندرکاران این بخش اعطا شد که در بخش ارزی، نقل و انتقال تعهدات ارزی در بازار بورس اوراق بهادار در مرداد ماه ۱۳۷۶ با نرخ‌های توافقی و البته تحت نظارت و کنترل کامل بانک مرکزی امکان‌پذیر شد و بانک مرکزی هم برای جلوگیری از نوسانات بیش از حد در آن مداخله کرد، البته در سال‌هایی مانند ۱۳۷۷ و اوایل ۱۳۷۸ که قیمت نفت کاهش پیدا کرد، عرضه ارز



دولتی در بورس کاهش یافت و سبب اختلال‌هایی در این بازار شد.

با بروز شکاف میان نرخ ارزهای شناور و صادراتی با نرخ واریزنامه‌ای و مسائل و مشکلات تخصیص‌های ارزی اداری، لزوم حرکت به سمت تک‌نرخی شدن ارز به منظور استفاده بهینه از منابع محدود و با نرخ‌های واقعی دوباره احساس شد. از این رو در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ مقرر شد که بودجه سال ۱۳۸۱ با اعمال سیاست تک‌نرخی ارز تنظیم شود.

نکته مهم این است که در هیچ‌کدام از بندهای تبصره «۲۹» قانون بودجه ۱۳۸۰ - که مربوط به سیاست تک‌نرخی شدن نرخ ارز و شرایط و الزامات آن است - به نوع نظام ارزی - که بستر حرکت تک‌نرخ مورد نظر باشد - اشاره‌ای نشده است. بنابراین به‌طور رسمی نمی‌توان اشاره کرد که نظام ارزی کشور دوباره به سمت نظام شناور یا هر نوع نظام دیگر مدیریت می‌شود. فقط می‌توان گفت که نرخ مبنای اعلام شده هر دلار معادل ۷۷۰۰ ریال (نرخ منظور شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۱) فقط نرخ مبنا بوده و آن نرخ است که درآمدهای ریالی دولت از نظر معادل‌سازی درآمدهای ارزی به درآمدهای ریالی تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>

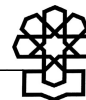
از آغاز برنامه سوم توسعه نیز با توجه به توسعه برنامه بحث «ثبات نرخ» ارز برای امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی همواره مطرح بوده است و دولت توانست نرخ ارز را تا حدودی ثابت نگه دارد. البته در بحث میزان نرخ ارز و تغییرات کم آن، همواره اختلاف نظر و انتقادهای شدیدی وجود داشته است؛ زیرا برخی از صاحب‌نظران تأمین درآمدهای بودجه‌ای را اصلی‌ترین متغیر تعیین‌کننده نرخ‌های ارز کشور می‌دانند.

در برنامه چهارم توسعه نیز بر کنترل نوسانات شدید نرخ ارز و تداوم سیاست یکسان‌سازی آن تأکید شده و نظام ارزی کشور به‌طور رسمی نظام شناور مدیریت شده اعلام شد که نرخ ارز باید با توجه به سازوکار عرضه و تقاضا و ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه‌های صادرکننده تعیین شود.<sup>۲</sup> در سال‌های اخیر با وجود آنکه نظام ارزی را نظام ارز شناور مدیریت شده بیان می‌کنند؛ اما با توجه به سهم بالای درآمدهای نفتی در عرضه ارز و تسلط دولت بر آن و با توجه به هماهنگی تغییرات ریال با دلار<sup>۳</sup> بهتر است نظام ارزی کشور را نظام ارزی می‌خکوب قابل تعدیل به دلار بدانیم.

۱. کاظم یآوری، تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۷-۱۲۲.

۲. بند «الف» ماده (۴۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳. در حال حاضر تغییرات ریال با یورو هماهنگ شده است.



## ۲-۲. تعیین نرخ ارز در ایران

چهار الگوی نظری اصلی در اقتصاد ارز هریک نواقصی دارند و بر جنبه‌ای از جنبه‌های ارز توجه کرده‌اند. در ایران نیز شرایط خاصی حاکم است که با فروض این الگوهای نظری در تناقض است و موجب می‌شود که نتوان در تعیین نرخ ارز در کشور از آنها استفاده کرد.

همان‌طور که ذکر شد در رهیافت تجاری یا کشش‌ها نقش جریان بین‌المللی سرمایه دیده نشده است و این رهیافت، الگویی ناتوان در تبیین نرخ ارز کوتاه‌مدت است. اما در مورد ایران، اولاً از آنجاکه برقرار بودن این نظریه مبتنی بر برقراری شرط مارشال لرنر<sup>۱</sup> است و یکی از مفروضات برقراری این شرط غیروابسته بودن صادرات یک کشور به واردات است و ثانیاً به دلیل کم‌کشش بودن عرضه و تقاضای کشور نسبت به نرخ ارز نمی‌توان از این رویکرد استفاده کرد.

استفاده از رویکرد برابری قدرت خرید نیز از جمله مباحث جنجالی در نقد نرخ ارز جاری کشور است و از آنجایی که همواره نرخ ارز بر مبنای این رویکرد کمتر از نرخ جاری ارز در کشور بوده، محاسبات آن همواره دلیل و حجت طرفداران کاهش نرخ ارز است.

برای مثال در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ تولید ناخالص داخلی ایران برحسب برابری قدرت خرید و نرخ ارز بر مبنای نظریه برابری قدرت خرید به شرح جدول زیر است:<sup>۲</sup>

جدول ۱. تولید ناخالص داخلی ایران برحسب برابری قدرت خرید طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶

سال میلادی	تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (میلیارد دلار)	نرخ رشد	نرخ برابری قدرت خرید (ریال به دلار آمریکا)	درصد تغییر
۲۰۰۰	۳۷۳/۷۲۵		۱۵۳۱/۴۰۱	
۲۰۰۱	۳۹۶/۷۳۴	۶/۱۶	۱۶۶۹/۳۹۳	۹/۰۱
۲۰۰۲	۴۳۳/۷۵۳	۹/۳۳	۲۱۰۵/۸۰۷	۲۶/۱۴
۲۰۰۳	۴۷۲/۳۳۶	۸/۹۰	۲۳۱۲/۲۶۴	۹/۸۰
۲۰۰۴	۵۱۱/۸۵	۸/۳۷	۲۷۱۲/۰۴۱	۱۷/۲۹
۲۰۰۵	۵۵۴/۷۷۵	۸/۳۹	۳۱۳۴/۹۳۱	۱۵/۵۹
۲۰۰۶	۵۹۶/۸۱۷	۷/۵۸	۳۵۸۵/۶۱۹	۱۴/۳۸
۲۰۰۷	۶۳۸/۶۰۳	۷/۰۰	۴۰۳۴/۲۶۳	۱۲/۵۱

مأخذ: بخش World Economic Outlook سایت رسمی صندوق بین‌المللی پول به آدرس:

[www.IMF.org/external/pub/ft/weo/2006/01/data/dbcoutm.cfm](http://www.IMF.org/external/pub/ft/weo/2006/01/data/dbcoutm.cfm)

۱. آلفرد مارشال شرط بهبود تراز تجاری بر اثر کاهش ارزش پول ملی را این می‌داند که مجموع قدرمطلق کشش‌های قیمتی تقاضای صادرات و تقاضای واردات بزرگتر از یک باشد. این موضوع توسط لرنر اثبات شد و در ادبیات اقتصادی به شرط مارشال-لرنر شهرت یافت.

۲. بیژن عبدی، آزادسازی اقتصادی در فرایند جهانی شدن، مرکز مطالعات جهانی شدن ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۳۱۶.



البته برای رد نرخ ارز مبتنی بر این رویکرد عمدتاً فروض این نظریه زیر سؤال می‌رود. گروهی نیز معتقدند از نرخ ارز به دست آمده در این الگو تنها برای محاسبه توان مالی کشورها استفاده می‌شود و نمی‌توان از آن برای ارزیابی سیاست‌های ارزی یا نرخ ارز کشورها استفاده کرد. از جمله فروضی که این نظریه دارد و در کشور ما صادق نیست، می‌توان به وجود اشتغال کامل، نبود هرگونه مانع، محدودیت و اختلال<sup>۱</sup> وجود علیت از قیمت‌ها به سمت نرخ ارز<sup>۲</sup> اشاره کرد. برای رد دو رویکرد پولی و تراز موجودی اوراق بهادار در ایران که رویکرد دوم تأکید خاصی بر نرخ بهره دارد؛ دلایلی ارائه شده است. از جمله این دلایل می‌توان به عدم وجود بازار سلف ارز در کشور اشاره کرد.

### ۲-۳. مقایسه چگونگی تعیین نرخ ارز در ایران با ویژگی‌های نظام ارزی مطلوب

برای بررسی وضعیت نرخ ارز کشور و طراحی یک نظام ارزی مطلوب باید با ویژگی‌های مطلوب نرخ ارز آشنا شده که در ذیل به برخی از این محورها اشاره شده است:

#### ۲-۳-۱. ثبات

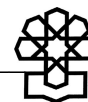
از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام ارزی یا تعیین نرخ ارز آن است که دارای ثبات و با حداقل نوسانات یا نوسانات در دامنه محدودی باشد. این امر به فعالان اقتصادی کمک می‌کند تا با برنامه‌ریزی در انجام فعالیت‌ها یا سرمایه‌گذاری‌ها با ریسک کمتری روبه‌رو شوند. بر این مسئله برنامه سوم توسعه تأکید کرده است و از آن زمان نرخ ارز تقریباً با ثبات بوده است. البته در شرایطی که نظام نرخ ارز آزاد حاکم باشد، وجود بازارهای سلف و امکان مبادله در آنها عاملی برای کاهش ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز و ایجاد اطمینان در صادرکنندگان و واردکنندگان کالا نسبت به ثبات نرخ ارز خواهد بود.

#### ۲-۳-۲. پیش‌بینی پذیری

عنصر مهم دیگر در یک نظام ارزی مطلوب آن است که تغییرات آتی نرخ ارز قابل پیش‌بینی باشد و سبب ایجاد امنیت و کاهش ریسک اقتصادی شود. اگر ما نرخ ارز را ثابت نگاه داریم؛ اما هر لحظه ممکن باشد که این نرخ تغییر کند و در عمل نرخی غیرقابل پیش‌بینی باشد، در اصل آن نرخ را ثابت نگاه نداشته‌ایم و امنیت روانی و سرمایه‌گذاری را از فعالان داخلی و خارجی گرفته‌ایم.

۱. روابط عمومی بانک مرکزی، محاسبه نرخ ارز به روش برابری قدرت خرید، اشتباه است. حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۳/۹/۱۴.

۲. عباس شاکری، آثار یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر ۱۳۸۲.



به عکس اگر نرخ ارز دارای نوسان، اما قابل پیش‌بینی باشد، افراد امنیت اقتصادی بالاتری داشته و در این صورت به خصوص با ایجاد یک بازار سلف ارز، افراد می‌توانند ثبات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی خود را به دست آورند.

متأسفانه یکی از اصلی‌ترین نقاط ضعف نظام ارزی و تعیین نرخ ارز در کشور نبود این ویژگی در آن است که فعالان بخش خصوصی همواره باید نگران و درصدد پی بردن به تصمیمات بخش دولتی در خصوص نرخ ارز باشند. همچنین با توجه به اینکه شیوه حرکت نرخ ارز بعد از یکسان‌سازی و حیطة و نحوه دخالت دولت در بازار ارز به‌طور رسمی و مدون اعلام نشده است، این احتمال وجود دارد که لابی‌های بخش خصوصی با دولت بتواند تعیین‌کننده تغییرات نرخ ارز باشد.

### ۳-۲. انعطاف‌پذیری

با وجود آنکه ثبات نرخ ارز امری مطلوب است، انعطاف‌پذیری نرخ ارز نیز مطلوب محسوب می‌شود؛ زیرا در صورتی که نرخ ارز به تغییرات انجام شده واکنش نشان ندهد اطلاعات غلطی در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌دهد و سبب تخصیص ناکارآمد منابع و اختلال در روابط اقتصادی می‌شود.

انعطاف‌ناپذیری نرخ ارز کشور را باید دلیل اصلی عدم تفاهم‌های موجود در خصوص میزان نرخ ارز دانست. از یک سو با توجه به بالاتر بودن نرخ تورم داخل از متوسط نرخ تورم خارج از کشور و سیاست تثبیت نرخ ارز، واردات، ارزان‌تر تمام می‌شود و این مسئله تولیدکنندگان داخلی کالای مشابه را با مشکل روبه‌رو می‌کند. از سوی دیگر زمانی که نرخ دلار در مقابل اسعار دیگر کاهش می‌یافت سیاست عدم انعطاف‌پذیری پول ملی در مقابل دلار موجب شد تا اثر تورم وارداتی بیشتر شود. حال آنکه اگر از سیاست شناوری نرخ ارز استفاده می‌شد، از مزیت‌های نرخ ارز شناور - که مانع ورود تورم خارجی و انتقال نوسانات ناگهانی اقتصاد بین‌الملل به اقتصاد ملی می‌شود - بهره می‌بردیم.

بر اساس محاسبات بانک مرکزی ۲۰ درصد از تورم کشور، محاسبه شده برحسب شاخص قیمت مصرف‌کننده (برحسب اقلامی از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که مشابه خارجی آن به وفور در بازار داخلی وجود داشته و با قیمت نوع خارجی آن آمارگیری می‌شود) در سال ۱۳۸۶ تورم وارداتی بوده است.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه نرخ تورم کشور در آن سال ۱۸ درصد اعلام شد، می‌توان نتیجه گرفت که ۳/۶ درصد تورم برحسب شاخص قیمت مصرف‌کننده وارداتی بوده است و با تثبیت نرخ ارز، به داخل منتقل شده است.

بانک مرکزی در زمان افول دلار در بازار بین‌المللی، نرخ دلار را در اقتصاد داخلی کاهش نداد؛

۱. روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، توضیح بانک مرکزی در مورد سهم تورم وارداتی از تورم کشور، سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ مرداد ۱۳۸۷.



اما پس از آن و زمانی که نرخ دلار افزایش یافت؛ با سرعت نرخ دلار را در بازار ارز کشور افزایش داد.

#### ۴-۳-۲. تأثیر مطلوب بر سایر متغیرها

از دیگر ویژگی‌های یک نرخ ارز مناسب تأثیر مطلوبی است که بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌گذارد. البته ما هیچ نرخ ارز بهینه‌ای نداریم و هر نوسان نرخ ارز در عین حال که اثر مطلوبی بر برخی متغیرها می‌گذارد؛ اما برخی دیگر از متغیرها را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

برای مثال با وجود آنکه کاهش نرخ ارز می‌تواند سبب افزایش قدرت پول ملی، ارزان‌تر شدن واردات و در نتیجه افزایش رفاه ملی شود؛ اما در عین حال با افزایش قیمت کالاهای صادراتی به صادرات، تولید و اشتغال ضربه می‌زند. در نتیجه باید با توجه به وزنی که به هدف‌های مختلف اقتصادی خود می‌دهیم، بهترین نرخ ارز ممکن را انتخاب کرده و برای آثار منفی نرخ ارز نیز سیاست‌های مکمل طراحی کنیم. با توجه به مقایسه فوق دو راهکار پیشنهادی در ذیل ارائه شده است که عبارتند از: میخکوب کردن ارز به یورو یا ترکیبی از دلار و یورو و تکیه بر سازوکار عرضه و تقاضای ارز.

#### الف) میخکوب کردن ارز به یورو یا ترکیبی از دلار و یورو

در کشور ما در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۸ (به دلایل سیاسی)، نرخ برابری ریال به جای وابستگی به دلار آمریکا به حق برداشت مخصوص (SDR)<sup>۱</sup> وابسته شد؛ اما در عمل به علت آنکه درآمدهای ارزی به دلار دریافت می‌شد، نرخ ریال همچنان در بازار ارز به دلار آمریکا وابسته بود.<sup>۲</sup>

با وجود آنکه از سال ۱۳۸۱ و با تک‌نرخی شدن نرخ ارز این ادعا از طرف بانک مرکزی صورت می‌گیرد که نظام ارزی ما نظام ارزی شناور مدیریت شده است، اما در عمل به نظر می‌رسد که نرخ ریال به دلار آمریکا وابسته و میخکوب بوده است تا اینکه به تازگی با توجه به کاهش ارزش شدید دلار و بی‌ثباتی آن یکبار دیگر لزوم عدم وابستگی به آن مطرح و از دلار به یورو میخکوب شد.

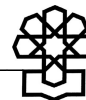
مقبولیت مبادلاتی بالا، ثبات نسبی و تعیین قیمت و فروش نفت به دلار از جمله دلایلی بود که اغلب کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران پول خود را به دلار میخکوب می‌کردند.

وابسته کردن پول کشور به یورو به عنوان جایگزینی برای دلار با توجه به مقبولیت روزافزون یورو در عرصه بین‌المللی و کمتر بودن مشکلات سیاسی ایران با اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا ممکن است مطلوب باشد؛ اما مشکلات تعیین تصنعی ارزش ریال، عدم هم‌راستایی تغییرات ریال و یورو و احتمال بی‌ثباتی یورو باز هم وجود دارد.

اگر کشوری مانند چین پول خود (یوان) را به دلار میخکوب می‌کند و حاضر نیست حتی با

1. Special Drawing Right

۲. کاظم یآوری، تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴.



داشتن ذخایر چند میلیارد دلاری ارزی و فشار بین‌الملل این رابطه را تغییر دهد به دلیل آن است که بازار آمریکا اصلی‌ترین بازار هدف محصولات چینی است و چین می‌خواهد به هزینه ثابت نگاه‌داشتن سطح رفاه مردم خود مزیت صادراتی را نسبت به بازارهای آمریکا حفظ کند.

از این رو وابسته کردن نرخ برابری ریال به یورو یا دلار باید منطقی مشابه داشته باشد. وابسته کردن برای ما این سود را دارد که تا حدودی نرخ برابری پول خود را با ثبات و در کوتاه‌مدت قابل پیش‌بینی می‌کنیم؛ اما عدم وابستگی واقعی آنها موجب می‌شود که نتوان به حفظ بلندمدت این روابط اعتماد کرد.

بنابراین یک پیشنهاد محتاطانه و در عین حال معقول می‌تواند آن باشد که ما نیز پول خود را به سببی از ارزها؛ اما نه مطابق حق برداشت مخصوص (SDR)، بلکه مطابق با ارز کشورهایی که با ما مبادله تجاری دارند و با توجه به استراتژی توسعه صادرات و توسعه صنعتی خود مربوط کنیم، تا با اعلام رسمی سهم ارزهای خارجی در سبد ارزی مورد نظر، بخش خصوصی توانایی پیش‌بینی نرخ ارز را داشته باشد.

برای این کار همان‌طور که ذکر شد به استراتژی مشخص توسعه صنعتی و توسعه صادرات نیاز است که هنوز در کشور ما تبیین نشده و در استراتژی‌های موجود نیز هیچ‌گونه اولویت‌بندی خاصی تعیین نشده است. اما می‌توان با تعیین این اولویت‌بندی‌ها نظام ارزی مطلوب‌تری طراحی کرد.

### ب) اتکا بر سازوکار عرضه و تقاضا

اغلب اقتصاددانان معتقدند بهترین روش برای تعیین نرخ ارز آن است که آن را به سازوکار عرضه و تقاضا بسپاریم. البته دولت می‌تواند در راستای جلوگیری از نوسانات خیلی شدید یا با توجه به وزنی که به اهداف مختلف خود می‌دهد در بازار مداخله کند. این مداخله باید محدود و دامنه و نحوه آن از قبل مشخص و بیان شده باشد. عدم رجوع به سازوکار بازار موجب انحراف از نرخ ارز تعادلی و آثار سوء این انحراف بر اقتصاد کشور می‌شود.<sup>۱</sup> این روش همان نظام نرخ ارز شناور است. گرچه در کشور ما نظام ارزی رسماً این نظام اعلام شده<sup>۲</sup> اما در عمل نشانی از شناور بودن نرخ ارز وجود ندارد.

تفاوت کشور ما با اغلب کشورها در این است که ایران منابع نفتی دارد و متأسفانه درصد

۱. منصور عسگری، اثر نوسانات نرخ ارز بر عملکرد صادراتی صنایع منتخب در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بهمن ۱۳۸۶.

۲. بند «الف» ماده (۴۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.



بالایی از بودجه (۵۵ درصد به طور متوسط) به درآمدهای حاصل از آن وابسته شده است. به طور کلی عرضه ارز کشورها ناشی از صادرات و ورود سرمایه خارجی است، البته فروش ارز به وسیله دولت و استقراض خارجی نیز از منابع عرضه ارز هستند که در مواقع خاص یا برای تأثیر بر بازار ارز استفاده می‌شوند. بیشترین تقاضای ارز کشورها نیز برای واردات و سرمایه‌گذاری در خارج یا اعطای وام به خارج اختصاص دارد. در جدول ۲ مازاد تراز ارزی کشور برای سال‌های ۱۳۷۸ تا سه ماهه ۱۳۸۷ آورده شده است.

### جدول ۲. مازاد تراز ارزی با احتساب صادرات نفت و گاز در سال‌های ۱۳۷۸ تا سه‌ماهه ۱۳۸۷

(میلیون دلار)

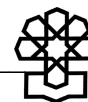
سال	صادرات نفت و گاز	صادرات کالای غیرنفتی	جمع صادرات کالا	واردات کالا	تراز بازرگانی	خالص خدمات	خالص حساب سرمایه	مازاد تراز ارزی
۱۳۷۸	۱۷۰۸۹	۳۹۴۱	۲۱۰۳۰	۱۳۴۴۳	۷۵۹۷	-۱۵۳۲	-۵۸۹۴	۱۷۱
۱۳۷۹	۲۴۲۸۰	۴۱۸۱	۲۸۴۶۱	۱۵۰۸۶	۱۳۳۷۵	-۱۴۸۵	-۴۵۷۳	۷۳۱۷
۱۳۸۰	۱۹۳۳۹	۴۵۶۵	۲۳۹۰۴	۱۸۱۲۹	۵۷۷۵	-۴۹۵	۱۱۵۰	۶۴۳۰
۱۳۸۱	۲۲۹۶۶	۵۲۷۱	۲۸۲۳۷	۲۲۰۳۶	۶۲۰۱	-۳۵۰۳	۲۵۳۴	۵۲۳۲
۱۳۸۲	۲۷۳۵۵	۶۶۳۶	۳۳۹۹۱	۲۹۵۶۱	۴۴۳۰	-۴۵۳۵	۴۴۷۶	۴۳۷۱
۱۳۸۳	۳۶۳۱۵	۷۵۳۷	۴۳۸۵۲	۳۸۱۹۹	۵۶۵۳	-۵۰۱۱	۷۳۸۸	۸۰۳۰
۱۳۸۴	۵۳۸۲۰	۱۰۵۴۶	۶۴۳۶۶	۴۳۰۸۵	۲۱۲۸۱	-۵۳۷۹	-۱۸۴	۱۵۷۱۸
۱۳۸۵	۶۲۰۱۱	۱۴۰۴۴	۷۶۰۵۵	۵۰۰۲۰	۲۶۰۳۵	-۶۱۴۶	-۴۳۸۳	۱۵۵۰۶
۱۳۸۶	۸۱۷۶۴	۱۵۶۳۷	۹۷۴۰۱	۵۶۵۸۲	۴۰۸۱۹	-۷۱۹۹	-۱۲۳۵۷	۲۱۲۶۳
سه ماهه ۱۳۸۷	۲۵۲۹۳	۴۳۵۹	۲۹۷۵۲	۱۵۲۳۰	۱۴۵۲۲	-۲۰۳۵	-۴۵۹۵	۷۸۹۲

مأخذ: بررسی بازار ارز کشور در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰ و آمار سال ۱۳۸۳ به بعد از نماگرهای اقتصادی (سه‌ماهه اول ۱۳۸۷)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۲، ص ۱۳.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ایران در کل این دوره همواره با مازاد تراز ارزی روبه‌رو بوده است و این مازاد در حال افزایش است. «مؤثرترین عامل در ایجاد این مازاد، سهم زیاد صادرات نفت و گاز است. به خصوص افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ که منجر به رشد مازاد عرضه و ثبات در بازار ارز به‌رغم اجرای سیاست یکسان‌سازی شده است»<sup>۱</sup> با افزایش رکوردشکنانه قیمت نفت در سال‌های اخیر این مازاد افزایش یافت؛ اما کاهش اخیر قیمت نفت منجر به کاهش این مازاد خواهد شد.

برای آنکه توان واقعی اقتصاد ایران را ببینیم بهتر آن است که تنها جمع صادرات غیرنفتی را با جمع واردات و خالص حساب سرمایه مقایسه کنیم.

۱. بررسی بازار ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰.



## جدول ۳. کسری تراز ارزی بدون احتساب صادرات نفت و گاز در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵

(میلیون دلار)

سال	صادرات غیرنفتی	جمع واردات	خالص حساب سرمایه	تراز ارزی
۱۳۷۸	۳۹۴۱	۱۶۳۶۱	-۵۸۹۴	-۱۸۳۱۴
۱۳۷۹	۴۱۸۱	۱۸۵۳۸	-۴۵۷۳	-۱۸۹۳۰
۱۳۸۰	۴۵۶۵	۲۲۱۱۲	۱۱۵۰	-۱۶۳۹۷
۱۳۸۱	۵۲۷۱	۳۰۵۶۴	۲۵۳۴	-۲۲۷۵۹
۱۳۸۲	۶۶۳۶	۴۰۳۴۵	۴۴۷۶	-۲۹۲۲۳
۱۳۸۳	۷۵۳۷	۳۸۱۹۹	۷۳۸۸	-۲۳۲۷۴
۱۳۸۴	۱۰۵۴۶	۴۳۰۸۵	-۱۸۴	-۳۲۷۲۳
۱۳۸۵	۱۴۰۴۴	۵۰۰۲۰	-۴۳۸۳	-۴۰۳۵۹
۱۳۸۶	۱۵۶۳۷	۵۶۵۸۲	-۱۲۳۵۷	-۵۳۳۰۲
سه‌ماهه ۱۳۸۷	۴۳۵۹	۱۵۲۳۰	-۴۹۵۹	-۱۵۸۳۰

مأخذ: محاسبه محقق براساس آمارهای مقاله بررسی بازار ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰ و آمار سال ۱۳۸۳ به بعد از نماگرهای اقتصادی (سه‌ماهه اول ۱۳۸۷)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۲، ص ۱۳.

جدول ۳ نشان می‌دهد که اگر درآمدهای نفت و گاز نبود با توجه به کسری ارزی ناشی از تراز واردات و صادرات غیرنفتی باید به افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول خود می‌پرداختیم تا بازار به تعادل برسد، اما وجود درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت نه تنها این موضوع را پنهان می‌کند؛ بلکه به دلیل درآمد بالای آن در مجموع با مزاد تراز ارزی نیز روبه‌رو می‌شویم.

از یک سو نباید توقع داشته باشیم که تمام درآمدهای ارزی حاصل از نفت به داخل سرازیر شود، زیرا در آن صورت با عوارض بیماری هلندی<sup>۱</sup> مواجه می‌شویم. اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد که نرخ ارز بالاتر از حد مطلوب بوده و میزان آن با هدف تأمین منابع بودجه تعیین شده است. وقتی دولت برای تأمین بودجه خود ارزهای حاصل از صادرات نفتی را به بانک مرکزی می‌دهد تا بفروشد و تمام این ارزها فروش نمی‌رود و بانک مرکزی مجبور می‌شود با افزایش ذخایر ارزی خود به انتشار ریال پردازد، با اینکه بانک مرکزی به یک سیاست پولی انبساطی اقدام کند، تفاوت زیادی ندارد. این افزایش تقاضا وقتی با افزایش عرضه کالا و خدمات به همان میزان مواجه نگردد، موجب تورمی می‌شود که سبب افزایش هزینه‌های دولت و دور باطل و فزاینده کسری

۱. بیماری هلندی (Dutch Disease) مشکلی اقتصادی است که کشورهای صادرکننده مواد اولیه ممکن است دچار آن شوند. در این حالت به دلیل افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی ناشی از صادرات مواد اولیه، قدرت پول ملی و تقاضای آن کشور افزایش می‌یابد که در اثر آن تولید کالاهای قابل تجارت داخلی به دلیل حجم بالای واردات ضربه خورده و نیز قیمت کالاهای غیر قابل تجارت در داخل کشور به دلیل افزایش تقاضا و عدم امکان واردات آن کالاها به شدت افزایش می‌یابد. بدین ترتیب اقتصاد با مشکلات ساختاری مواجه می‌شود.



بودجه و تورم می‌شود.

دولت با هدف تأمین مالی بودجه خود نرخ ارز را تعیین می‌کند غافل از اینکه هر چند تعیین نرخ ارز بالاتر به معنای در اختیار گرفتن معادل ریالی بالاتر و درآمد بیشتر به وسیله دولت است؛ اما نرخ ارز بالاتر منجر به افزایش تورم در جامعه و افزایش هزینه‌های دولت شده و دوباره منجر به کسری بودجه می‌شود.

کسری بودجه نیز منجر به افزایش نقدینگی و تورم بالاتر شده و دولت در سال بعد برای تأمین منابع بودجه‌ای به درآمد بالاتری نیازمند می‌شود و متأسفانه دوباره با افزایش نرخ ارز سعی در تأمین این درآمد بالاتر می‌کند و به این ترتیب این دور باطل و فزاینده را ادامه می‌دهد.

برای اتکای بازار ارز به عرضه و تقاضا به نظر می‌رسد باید به کاهش دسترسی دولت به درآمدهای نفتی و محدودیت عرضه ارز دولتی در بازار ارزی کشور مبادرت کرد. اما از آنجایی که دو شرط موجود در این الگوریتم یعنی قیمت نفت و نرخ ارز در بودجه، هر سال از طرف دولت تعیین می‌شود، در نتیجه دولت می‌تواند هر ساله وابستگی خود به درآمدهای نفتی و نرخ ارز بازار را برای تأمین بودجه خود افزایش دهد که هر دو مسئله تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد و بازار ارز دارد.

در مقابل اگر نرخ ارز انعطاف‌پذیر باشد بانک مرکزی می‌تواند با اتخاذ سیاست پولی مناسب و با استفاده از ذخایر ارزی خود در تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات بیش از حد آن، هماهنگ با دیگر اهداف اقدام کند؛ اما حرکت اصلی نرخ ارز براساس سازوکار بازار خواهد بود.

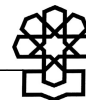
زمانی که عرضه و تقاضای ارز قابل پیش‌بینی شد، بخش خصوصی ریسک‌پذیر نیز وارد بازار شده و با فراهم شدن شرایط هجینگ<sup>۱</sup> و همچنین راه‌اندازی بازار سلف ارز، ریسک ناشی از تغییرات نرخ ارز برای فعالان اقتصادی کشور کمتر می‌شود. به این ترتیب علاوه بر کاهش ریسک اقتصادی کشور، با ایجاد بازار سلف ارز روش جدیدی برای تأمین مالی صادرکنندگان و واردکنندگان به وجود می‌آید.<sup>۲</sup>

### ۳. تأثیر نرخ ارز بر صادرات در ایران

با افزایش نرخ ارز کالاهای داخلی برای مصرف‌کنندگان خارجی ارزان‌تر و از این رو سبب افزایش قدرت رقابت و میزان صادرات می‌شود. در نتیجه افزایش نرخ ارز با افزایش صادرات همراه است. این مسئله

۱. هجینگ (hedging) در لغت به معنای پوشش دادن و در اصطلاح به معنای انجام اقدامات تأمینی و معامله برای پوشش ریسک نوسانات قیمت است.

۲. بررسی بازارهای سلف ارز و مشکلات راه‌اندازی آن در ایران، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیر ۱۳۸۷، ص ۷.



موجب شد که برخی از کشورها برای افزایش صادرات به کاهش ارزش پول داخلی (یا همان افزایش نرخ ارز) اقدام کنند. با وجود اینکه کاهش ارزش پول، سطح رفاه افراد جامعه را کاهش می‌دهد؛ ولی این کشورها کاهش سطح رفاه را با هدف افزایش صادرات، تولید، اشتغال و افزایش رفاه در آینده می‌پذیرند. کشور چین مثال بارز و موفق در استفاده از این سیاست محسوب می‌شود. این کشور با وجود ذخایر بالای دلار و مازاد تجاری بالا نسبت به ایالات متحده، پول خود (یوآن) را به دلار می‌خکوب کرده و نمی‌گذارد افزایش یابد تا بتواند مزیت صادراتی خود را حفظ کند و صادرات را باز هم بیشتر توسعه دهد.

این نظریه که نظریه حاکم و اصلی درباره تأثیر نرخ ارز بر صادرات است، همواره جزء دلایل موافقین افزایش نرخ ارز در کشور است. پیش از قضاوت در این باره بهتر است به بررسی نکاتی درباره وضعیت و ساختار صادرات در کشور بپردازیم، برای این امر باید به مباحثی مانند وضعیت و جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد ملی، ترکیب صادرات غیرنفتی، وضعیت و جایگاه نسبی صادرات غیرنفتی در سطح بین‌الملل و میزان ارزشبری تولید کالاهای صادراتی غیرنفتی توجه کرد. در این بخش تأثیر نرخ ارز بر صادرات و مطالعات تجربی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۳-۱. وضعیت و جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد ملی

پس از شکست رویکرد «جایگزینی واردات» در بسیاری از کشورهای جهان و موفقیت کشورهایایی که از رویکرد «توسعه صادرات» استفاده کرده بودند و با توجه به پدیده جهانی شدن، تلاش کشورها برای توسعه صادرات در راستای توسعه اقتصادی افزایش یافت. در کشورهای نفت‌خیز نیز لزوم رهایی از درآمدهای نفتی به دلیل بی‌ثباتی قیمت‌های نفتی موجب شد تا بر متنوع‌سازی صادرات و توسعه صادرات غیرنفتی تأکید شود.

از این رو برنامه‌ریزان اقتصادی ایران، هدف افزایش سطح صادرات غیرنفتی را در شمار اصلی‌ترین اهداف اقتصادی قرار داده‌اند. در جدول ذیل آمار کلی صادرات غیرنفتی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ آورده شده است.



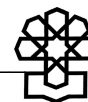
## جدول ۴. روند صادرات غیر نفتی ایران (با احتساب صادرات میعانات گازی)

در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۷ (میلیون دلار)

سال	صادرات غیر نفتی (با احتساب میعانات گازی)	نرخ رشد
۱۳۷۰	۲۶۴۹	--
۱۳۷۱	۲۹۸۸	۱۲/۸۰
۱۳۷۲	۳۷۴۷	۲۵/۴۰
۱۳۷۳	۴۸۳۱	۲۸/۹۳
۱۳۷۴	۳۲۵۷	-۳۲/۵۸
۱۳۷۵	۳۱۲۰	-۴/۲۱
۱۳۷۶	۲۹۱۰	-۶/۷۳
۱۳۷۷	۳۱۸۵	۹/۴۵
۱۳۷۸	۳۹۴۱	۲۳/۷۴
۱۳۷۹	۴۱۸۰/۹۹	۶/۰۹
۱۳۸۰	۴۵۶۵/۴۳	۹/۱۹
۱۳۸۱	۵۲۷۱	۱۵/۴۵
۱۳۸۲	۶۶۳۶/۳۳	۲۵/۹۰
۱۳۸۳	۷۵۳۶/۵۶	۱۳/۵۷
۱۳۸۴	۱۰۵۴۵/۸۴	۳۹/۹۳
۱۳۸۵	۱۷۸۵۹/۰۱	۶۹/۳۵
۱۳۸۶	۲۱۱۷۳/۹۴	۱۸/۵۶
۱۳۸۷	۲۳۰۳۲/۴	۸/۷۸

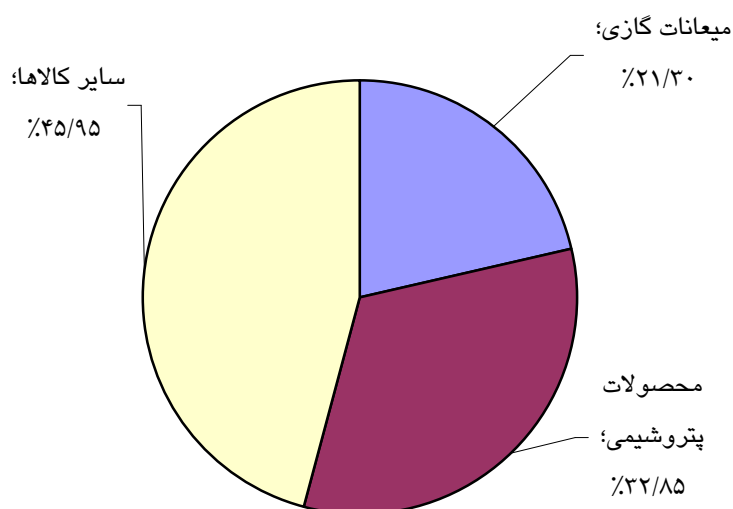
مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir) و آمار سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ از گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۶ به شماره ۲۲/۷۶/۲۵۳/۱۰۳۰۹۹.

صادرات غیر نفتی به خصوص از سال ۱۳۸۴ رشد بالایی داشته و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ نیز به ترتیب برابر با ۶۹/۳۵ و ۱۸/۵۶ درصد در سال رشد داشته است. البته باید توجه داشت که این رشد جهش‌گونه بیشتر به دلیل احتساب صادرات میعانات گازی (که از سال ۱۳۸۴ صادرات گسترده آن آغاز شده است) و محصولات پتروشیمی به‌عنوان بخشی از صادرات غیر نفتی و رشد بالای آنهاست. در حالی که اگر میعانات گازی را از صادرات غیر نفتی خارج کنیم صادرات غیر نفتی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب تنها ۲۳/۲۴ و ۱۷/۸۱ درصد رشد کرده‌اند. نگاهی به ترکیب ارزش صادرات کالایی کشور در سال ۱۳۸۷ نیز نشان می‌دهد که بیش از ۵۴ درصد ارزش صادرات کالایی ما را محصولات پتروشیمی و میعانات گازی تشکیل می‌دهند که



به خصوص باتوجه به افزایش جهانی قیمت نفت تأثیر بالایی در رشد صادرات غیرنفتی کشور داشت.<sup>۱</sup>

نمودار ۱. ترکیب ارزش کالاهای صادراتی در سال ۱۳۸۷



رشد صادرات میعانات گازی باتوجه به ارزش افزوده اندک این بخش ارتباط مستقیمی به توان صادراتی کشور نداشته و رشد محصولات پتروشیمی نیز بیشتر معطوف به دلایلی مانند افزایش قیمت کالاهای پتروشیمی در بازارهای جهانی و قیمت‌گذاری نامناسب داخلی است که باوجود نیاز داخلی کشور به این‌گونه محصولات، به صورت مواد اولیه و واسطه‌ای صادر می‌شود. البته این دو بخش به صورت مستقیم به قیمت جهانی نفت وابسته بوده و کاهش احتمالی قیمت نفت می‌تواند به کاهش قابل توجه ارزش صادرات آنها منجر شود.

عوامل دیگری از جمله تغییر ترکیب کشورهای عمده مقصد صادراتی ایران از کشورهای OECD به کشورهای در حال توسعه، وضعیت کشورهای عراق و افغانستان و فرصت صادرات به آنها، تنوع بیشتر طرف‌های تجاری کشور و بازاریابی‌های جدید، افزایش قیمت جهانی نفت و به بهره‌برداری رسیدن سرمایه‌گذاری‌های سال‌های قبل در بخش پتروشیمی را نیز می‌توان به‌عنوان عوامل اثرگذار بر این افزایش رشد محسوب کرد.<sup>۲</sup>

۱. گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۹، شماره ۲۰۳/۱۰۲۵۳/۲۳/۲۲.

۲. عوامل مؤثر بر رشد صادرات غیرنفتی، گزارش نهایی نشده دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



### ۳-۲. ترکیب صادرات غیرنفتی

در ترکیب صادرات کشور، محصولات پتروشیمی و میعانات گازی جایگاه ویژه‌ای کسب کرده و در سال ۱۳۸۶، ۴۸ درصد صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل داده است.

در جدول ۵ میزان ارزش و سهم این دو بخش از کل صادرات غیر نفتی کشور در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ ارائه شده است که بیانگر کاهش سهم سایر کالاها و رشد سهم بخش میعانات گازی است.

جدول ۵. آمار صادرات کالایی به تفکیک میعانات گازی و پتروشیمی در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۷

عنوان	سال ۱۳۸۲		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۸۴		سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۶		سال ۱۳۸۷	
	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	سهم (درصد)
میعانات گازی	۰	۰	۰	۰	۴۹۲	۴	۴۸۶۲/۰۱	۲۷	۵۸۶۱/۶۶	۲۸	۴۸۸۳	۳۱
پتروشیمی	۱۴۶۸	۲۵	۱۵۲۴	۲۲	۲۰۴۴	۱۹	۲۴۶۳/۰۶	۱۴	۴۲۵۶/۷	۲۰	۷۵۶۵/۲۴	۳۳
سایر کالاها	۴۵۰۴	۷۵	۵۳۲۳	۷۸	۸۴۳۰	۷۷	۱۰۵۳۳/۹۴	۵۹	۱۱۰۵۵/۵۸	۵۲	۱۰۵۸۱/۰۶	۴۶
جمع کل صادرات کالایی	۵۹۷۲	۱۰۰	۶۸۴۷	۱۰۰	۱۰۹۶۷	۱۰۰	۱۷۸۵۹/۰۱	۱۰۰	۲۱۱۷۳/۹۴	۱۰۰	۲۳۰۳۲/۴	۱۰۰

مأخذ: دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸، شماره ۱۵۶۷۸۹/۲۵۳/۷۴/۲۲ و نامه مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۹ به شماره ۲۲/۷۳/۲۵۳/۱۰۲۰۳.

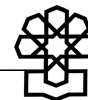
همچنین در دسته سایر کالاها ده کالای صادراتی عمده کشور از نظر ارزش دلاری در سال ۱۳۸۶

به ترتیب ذیل است:

۱. پسته، ۲. پروپان مایع، ۳. متانول، ۴. بوتان مایع، ۵. سایر مخلوط هیدروکربون‌های بودار، ۶. فرش و سایر کفپوش‌های نسجی، ۷. محصولات از آهن یا فولاد، ۸. اتیلن، ۹. وسایل نقلیه با موتور پیستونی درون‌سوز، ۱۰. بنزن.<sup>۱</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود کالاهای وابسته به بخش نفت و گاز سهم بالایی از اقلام عمده صادراتی را به خود اختصاص داده است.

۱. محاسبه محقق براساس آمار دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸، شماره ۱۵۶۷۸۹/۲۵۳/۷۴/۲۲.



### ۳-۳. وضعیت و جایگاه نسبی صادرات کشور در سطح بین‌الملل

در دهه‌های اخیر سهم صادرات کالایی کشور از صادرات جهانی (پس از فراز و فرودهایی) به‌طور کلی کاهش یافته است و با ورود رقیبان بسیار ارزان‌قیمت (مانند چین که با سرعت در حال تسخیر بازارهای جهان است) این وضعیت رو به وخامت خواهد گذاشت. جدول زیر تا حدی گویای این مطلب است:

جدول ۶. نسبت صادرات کالایی (نفتی و غیرنفتی) کشور به حجم صادرات جهان در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴

سال	۱۹۹۲	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۴
نسبت صادرات کالایی کشور به حجم صادرات جهانی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۴

مأخذ: ارزیابی پیامدهای تغییر نرخ ارز در اقتصاد ایران، (گزارش منتشر نشده)، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۹.

باتوجه به اینکه سهم کل صادرات ما از اقتصاد جهانی تا این اندازه ناچیز است، در نتیجه سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات جهان بسیار کمتر خواهد بود.

### ۳-۴. میزان ارزبری صادرات غیرنفتی

از اساسی‌ترین مشخصات ساختار صادرات غیرنفتی کشور میزان ارزبری آن است. زمانی می‌توان تأثیر افزایش یا کاهش نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی را به‌سادگی پیش‌بینی کرد که صادرات کشور به واردات از خارج وابسته نبوده و یا ارزبری کمی داشته باشد.

متأسفانه باوجود اهمیتی که میزان ارزبری صادرات غیرنفتی و بخش صنعت در نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های ارزی داراست اما آمار قابل استناد و جدیدی از آنها وجود ندارد. در مکاتبه با دفتر آمار و فراوری داده‌های وزارت صنایع و معادن نیز این دفتر با اذعان به عدم محاسبه این شاخص‌ها از سال ۱۳۸۰ به بعد به تلاش جدید خود در محاسبه آنها در راستای پاسخگویی به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۵. تأثیر نرخ ارز بر صادرات در مطالعات تجربی

پس از بررسی ساختار و شرایط صادرات در ایران درمی‌یابیم که صادرات ایران باتوجه به وابستگی برخی از صادرات غیرنفتی به واردات و کشش‌پذیری کم بعضی اقلام صادراتی نسبت به

۱. نامه دفتر آمار و فراوری داده‌های وزارت صنایع و معادن به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۰ شماره ۷۲۵۱۷.



نرخ ارز<sup>۱</sup> شرایط ویژه‌ای دارد که ممکن است نتوان رابطه متداول نرخ ارز و صادرات را بین آن دو به دست آورد.

«در اقتصادهای پیشرفته و باثبات که در اقتصاد بین‌الملل نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا می‌کنند، به علت توان بالای علمی، فناوری و مدیریتی، عوامل مبنایی تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی داده شده فرض می‌شوند و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی در صورت برقراری شرط معروف مارشال لرنر، موجب افزایش صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد که در اقتصاد ایران هنوز بنیان‌های محوری رشد صادرات غیر نفتی بسیار ضعیف است. کیفیت، تنوع و نوگرایی، دانش، فناوری و بهره‌وری در امر صادرات عواملی تعیین‌کننده به‌شمار می‌روند که ضامن رشد بلندمدت و پایدار در صادرات اعم از کشاورزی و سنتی، صنعتی، خدماتی و فنی مهندسی خواهند بود.

باتوجه به اینکه بنیان‌های رشد پایدار و شتاب صادراتی فراهم نبوده و موانع آن (در نهاد سیاست‌گذاری، محیط کسب و کار رقابتی، ساختار اداری و اجرایی و ...) پا برجاست نمی‌توان انتظار داشت با یک سیاست ارزی و قیمتی، تغییر جدی و بلندمدتی در تراز پرداخت‌های کشور حاصل شود و باید تأکید اساسی بر افزایش توان رقابت و افزایش کمی و کیفی تولیدات داشته باشیم»<sup>۲</sup>.

کارهای تجربی انجام گرفته درباره تأثیر نرخ ارز بر صادرات را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مطالعاتی است که تنها به تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات پرداخته‌اند و اغلب به رابطه مثبت میان این دو متغیر دست یافته‌اند. یعنی با افزایش نرخ ارز صادرات افزایش و با کاهش آن کاهش می‌یابد که این نتایج کاملاً همخوان با نظریه ارائه شده است.

گروه دوم مطالعاتی هستند که علاوه بر تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات به تأثیرات غیرمستقیم آن نیز اشاره کرده‌اند و باتوجه به تأثیرات نرخ ارز بر متغیرهایی مانند تولید و تورم و تأثیرات آنها بر صادرات تلاش نموده‌اند که کل تأثیرات (مستقیم و غیرمستقیم) نرخ ارز بر صادرات را برآورد کنند. نتایج این مطالعات تفاوت‌هایی با نتایج مطالعات گروه اول دارد.

از مطالعات گروه اول می‌توان به مطالعات خان و بدر (۱۳۷۶)، نوفرستی و عرب مازار (۱۳۷۵)

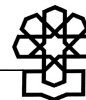
و ولدخانی (۱۳۷۶) اشاره کرد.<sup>۳</sup>

۱. کشش صادرات نسبت به نرخ ارز معادل ۰/۲۷ درصد محاسبه شده است که چندان قوی نیست. رجوع شود به یحیی فتحی قره‌گونی،

بررسی کشش‌پذیری صادرات صنعتی نسبت به تغییرات نرخ ارز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.

۲. سیدکمیل طیبی و خدیجه نصراللهی، نقش متغیرهای اساسی در تبیین رفتار نرخ تعادلی بلندمدت ارز در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۲، ص ۱۲۸.

۳. سعید توتونچی ملکی، اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولید کل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۸۵، صص ۲۳-۲۸.



همچنین در مطالعه الگوی اقتصادسنجی کلان ایران<sup>۱</sup> رابطه نرخ ارز و صادرات مثبت ولی ناچیز (۰/۰۰۲) برآورد شده است. علاوه بر این در بررسی تأثیر آثار شوک ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز صادراتی و یا شوک ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز رسمی بر صادرات غیرنفتی، جواب صادرات کالاهای غیرنفتی به این شوکها در سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ به طور متوسط به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۵۵ درصد بوده است که جوابی مثبت ولی بسیار کم است.

در مدل اقتصادسنجی برنامه سوم توسعه کشور نیز تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی مثبت برآورد شده است. در این مدل صادرات غیرنفتی را تابعی از نرخ واقعی ارز، تولید ناخالص داخلی واقعی کشورهای OECD، نسبت نرخ بازار سیاه ارز به نرخ رسمی آن و صادرات غیرنفتی دوره پیش برشمرده‌اند. ضریب محاسبه شده برای نرخ واقعی ارز براساس آمار سالهای ۱۳۴۹-۱۳۷۶، (۰/۴۳۵+) به دست آمده است.<sup>۲</sup>

شکل شماتیک تأثیر نرخ ارز در الگوی برنامه چهارم توسعه نیز به مثبت بودن رابطه نرخ ارز و صادرات غیرنفتی اشاره دارد.<sup>۳</sup>

این در حالی است که تخمین مدل اقتصادسنجی برنامه چهارم در تبیین رابطه بین صادرات غیرنفتی و متغیرهای رشد نرخ ارز واقعی و تغییرات رشد نرخ ارز واقعی (بازار آزاد) رابطه منفی میان آنها را به دست داده است.<sup>۴</sup>

البته از مطالعه گروه اول مطالعاتی نیز وجود دارند که علاوه بر نرخ ارز و متغیر باوقفه صادرات غیرنفتی، لزوم اعمال متغیرهای بنیادی دیگری همچون بهره‌وری، رقابت‌پذیری و تورم را نیز مورد توجه قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند اگر تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد با افزایش تورم همراه و هم‌جهت باشد، به همراه افزایش دادن نرخ ارز یک اثر تقویت‌کننده (از ناحیه افزایش نرخ ارز) و یک اثر خنثی‌کننده (از ناحیه تورم) به وجود می‌آید؛ اما اگر تغییرات نرخ ارز به افزایش تورم منجر نشود، اثر آن بر صادرات غیرنفتی قابل ملاحظه و معنادار خواهد بود.<sup>۵</sup>

از مطالعات گروه دوم می‌توان به مطالعه‌ای<sup>۶</sup> اشاره کرد که در آن به تأثیر مستقیم و

۱. بیژن بیدآباد، الگوی اقتصادسنجی کلان ایران (نسخه ۵/۰)، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۸۳.

۲. توفیق فیروز، برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷.

۳. مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، ۱۳۸۳، ص ۷۲۸.

۴. مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۳۲.

۵. عباس شاکری، عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳، صص ۲۳-۵۰.

۶. سعید توتونچی ملکی، اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولید کل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۸۵.



غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی و رابطه علی و معلولی ارز بر تورم پرداخته شده است. تأثیر غیرمستقیم نرخ ارز و تغییرات آن بر صادرات غیرنفتی از دو طریق تأثیر نرخ ارز بر سطح عمومی قیمت‌ها (که خود تأثیر منفی بر صادرات غیرنفتی دارد) و تابع تولید کل که تأثیر مثبت بر صادرات غیرنفتی دارد، بررسی شده است.

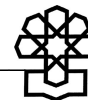
این مطالعه نیز مانند مطالعات ذکر شده گروه اول به رابطه مثبت افزایش نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی به‌عنوان اثر مستقیم آن دست یافته، اما معتقد است آثار غیرمستقیم نرخ ارز بر تورم و تولید از سوی دیگر سبب پیدایش آثار منفی بر صادرات غیرنفتی شده است (به‌نحوی که علامت اثر افزایش نرخ ارز بر روی تابع تولید و شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی (تورم) در بلندمدت به ترتیب منفی و مثبت به‌دست آمده است). از سوی دیگر تأثیر تولید بر صادرات غیرنفتی مثبت و تأثیر تورم بر آن منفی برآورد شده است. در نتیجه اثر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی از طریق این دو متغیر منفی است.

این مدل در مجموع آثار غیرمستقیم منفی نرخ ارز بر صادرات را قوی‌تر دانسته و نتیجه می‌گیرد که افزایش نرخ ارز نمی‌تواند به‌عنوان سیاست مناسبی برای افزایش سطح صادرات غیرنفتی از طرف سیاست‌گذاران اقتصادی انتخاب شود؛ زیرا از طریق اثرگذاری بر تولید کل و شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی، تابع صادرات غیرنفتی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این آثار منفی در مجموع اثر مثبت مستقیم را خنثی خواهد کرد. زیرا در مورد کالاهای صادراتی وابسته به واردات، هزینه‌های وارداتی افزایش می‌یابد و چون سایر هزینه‌ها نیز به‌دلیل گران‌تر شدن کالاهای خارجی افزایش قیمت یافته‌اند، صادرکننده با افزایش هزینه روبه‌رو شده و اگر اثر افزایش هزینه بیشتر باشد، در سال دوم، این افزایش هزینه بر افزایش قیمت ارز غلبه کرده و موجب کاهش صادرات می‌شود. این مسئله به‌خصوص با توجه به عدم وجود کنترل لازم در بازارها و انتظارات تورمی بالای ایران کاملاً موجه به‌نظر می‌رسد.

در این حالت نظر گروهی که معتقدند ابتدا باید سیاست‌های اقتصادی را در جهت کاهش تورم سامان‌دهی کرد و سپس به فکر افزایش اشتغال، تولید و صادرات بود تأیید می‌شود. در صورت قبول این نتایج نه تنها نباید به افزایش نرخ ارز برای توسعه صادرات اقدام کنیم؛ بلکه اگر قرار است سیاست ارزی خود را در راستای افزایش صادرات تنظیم کنیم؛ بهتر است به کاهش نرخ ارز مبادرت ورزیم.

در مطالعه دیگری<sup>۱</sup> نیز که تأثیر نرخ ارز و تولید داخلی بر صادرات و اثر نرخ ارز و نقدینگی بر

۱. بابک ضرغامی، ارزیابی تأثیر نظام ارز شناور بر واردات، صادرات غیرنفتی و سطح عمومی قیمت‌ها، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۵.



تورم برآورد شده است، این نتیجه به دست آمده که افزایش نرخ ارز به طور مستقیم باعث افزایش صادرات و به طور غیرمستقیم (با افزایش تورم) باعث کاهش آن می شود.

در نتیجه محقق به این نتیجه می رسد که اگر هدف سیاست گذاران افزایش صادرات با استفاده از اهرم افزایش نرخ ارز باشد، چنانچه افزایش نرخ ارز باعث افزایش سطح عمومی قیمت ها به همان میزان یا بیشتر گردد نه تنها باعث بی اثر شدن سیاست مزبور می گردد، بلکه گاهی اثر معکوس نیز بر صادرات خواهد گذاشت. بنابراین سیاست افزایش نرخ ارز باید با سیاست های کنترل کننده قیمت ها و سطح تولید کل همراه باشد تا این سیاست بتواند قابلیت خود را نشان دهد.

از مطالعاتی که بر بالاتر بودن تأثیر غیرمستقیم تأکید دارد مطالعه ای<sup>۱</sup> است که از یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا استفاده کرده است. در این مطالعه در مورد تأثیر نرخ ارز آمده است که تغییر نرخ ارز رسمی از دو راه بر اقتصاد کشور اثر می گذارد: یکی از طریق تأثیر بر بخش خارجی اقتصاد و تغییر قیمت کالاهای وارداتی به طوری که تغییر قیمت کالاهای وارداتی واسطه ای و سرمایه ای موجب تغییر روند تولید کشور می شود و دیگری از طریق تأثیر بر عرضه پول کشور.

نتیجه این مطالعه نشان می دهد که افزایش نرخ ارز موجب می شود تا واردات و به دنبال آن تولید ناخالص داخلی کاهش یابد. این سیاست ارزی برخلاف انتظار، اثر محسوسی بر صادرات غیرنفتی و در نتیجه سطح تولید بر جای نمی گذارد. از سوی دیگر به دلیل اثری که اعمال این سیاست بر بسط عرضه پول از طریق افزایش در ارزش ریالی خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی دارد، موجب می شود تا سطح عمومی قیمت ها افزایش یابد و شرایط تورم رکودی را در جامعه به وجود آورد.

اما برخی از دیگر مطالعات این گروه گرچه به تأثیرات غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات که اثری مخالف با تأثیر مستقیم آن دارد اشاره کرده اند اما اثر تأثیر مستقیم را بیشتر از تأثیر غیرمستقیم برآورد کرده اند.

به عنوان نمونه در مطالعه ای<sup>۲</sup> که به بررسی اثر کاهش نرخ ارز بر بهبود تراز تجاری پرداخته شده است، مؤلفان ابتدا بیان داشته اند: «در مطالعات انجام شده در ایران فرض بر این است که بازار جهانی رقابتی است و ایران به عنوان یک کشور کوچک نقشی در تعیین قیمت های جهانی ندارد. بنابراین قیمت صادرات برونزا در نظر گرفته شده است. اما در این تحقیق فرض می شود که بازار جهانی غیررقابتی است و بنگاه های صادرکننده می توانند در تعیین قیمت صادرات نقش داشته باشند».

تغییر این فرض موجب می شود تا یک اثر غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات ایجاد شود که آن را

۱. محمد نوفرستی، بررسی تأثیر سیاست های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا، مجله تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۸۴.

۲. سعید توتونچی ملکی، اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولید کل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۸۵.



اثر قیمت‌گذاری برای بازار (قیمت‌گذاری استراتژیک) می‌نامند. بنگاه‌های صادرکننده در واکنش نسبت به تغییر نرخ ارز، باتوجه به شرایط بازار، ممکن است یکی از سه استراتژی انتقال تمام تغییرات نرخ ارز به قیمت صادرات، انتقال بخشی از آن و یا عدم انتقال را برگزینند و در صورتی‌که انتقال ناقص باشد یا صورت نگیرد، تأثیر نرخ ارز بر صادرات با نتایج مطالعات دیگر همراستا نیست. همچنین در این مطالعه بر اثر غیرمستقیم تغییر هزینه تولید نیز اشاره شده و باتوجه به اینکه تغییر نرخ ارز قیمت مواد اولیه وارداتی را متأثر می‌کند در نتیجه با واسطه بر صادرات نیز اثر می‌گذارد.

در مورد اثر مجموع و نهایی نرخ ارز بر صادرات، در این مطالعه نیز با تخمین یک سیستم معادلات همزمان و با استفاده از آمار سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۰ این نتیجه به‌دست آمده که با کاهش ارزش پول ملی، قیمت صادرات بر حسب پول داخلی افزایش می‌یابد و بنابراین رابطه انتقالی ناقص است. به‌عبارت دیگر درصدی از تأثیر اولیه تغییر نرخ ارز بر صادرات به‌وسیله تأثیر غیرمستقیم خنثی می‌شود، اما با وجود این کشش صادرات نسبت به نرخ ارز مثبت است.

در مجموع به نظر می‌رسد که مطالعات گروه دوم باتوجه به در نظر گرفتن تأثیرات غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات کامل‌تری هستند، اما باتوجه به نتایج متفاوتی که در مورد غلبه تأثیر مستقیم بر تأثیرات غیرمستقیم یا بالعکس به‌دست آمده است نمی‌توان در مورد تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی نظر متقنی داد و هرگونه استفاده از این ابزار سیاست‌گذاری نیازمند بررسی کمی و دقیق میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نرخ ارز در زمان اعمال سیاست است.

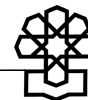
#### ۴. تأثیر نرخ ارز بر واردات در ایران

در تئوری‌های اقتصاد رابطه نرخ ارز با واردات رابطه‌ای معکوس ذکر شده است. با افزایش نرخ ارز قیمت کالاهای وارداتی بالا می‌رود و در نتیجه تقاضای واردات کاهش می‌یابد و با کاهش نرخ ارز کالاهای وارداتی ارزان‌تر شده و در نتیجه بر میزان واردات افزوده می‌شود.

در مورد تأثیر نرخ ارز بر واردات در اقتصاد ایران تفاهم نسبی وجود دارد و مطالعات تجربی نیز مؤید آن است که تأثیر نرخ ارز بر واردات منفی است.<sup>۱</sup> حتی برخی مطالعات نشان می‌دهند که تأثیر نرخ حقیقی ارز بر واردات بیشتر از تأثیر سایر متغیرهای مؤثر از جمله تعرفه است.<sup>۲</sup>

۱. منصور عسگرزاده و سیدحمیدرضا اشرف‌زاده، آثار سیاست‌های تجاری و ارزی بر تجارت کالاهای صنعتی در ایران، پژوهشنامه بازرگانی، تابستان ۱۳۸۵.

۲. حمید رحیمی و مسعود طاهری‌نیا، رابطه انتقالی نرخ ارز و تراز تجاری ایران، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.



البته برای سیاست‌گذاران اقتصادی تفکیک واردات به واردات مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای مهم است. افزایش واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌تواند به معنای افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال بوده و مطلوب باشد. اما افزایش واردات مصرفی و نهایی در عین حال که می‌تواند بیانگر افزایش رفاه جامعه و کاهش تورم باشد، ممکن است موجب افزایش فشار به تولیدکنندگان داخلی آن محصولات شده و این امر به کاهش تولید، اشتغال و رقابت‌پذیری ملی منجر شود. در نتیجه افزایش واردات مصرفی و نهایی تاحدی نامطلوب در نظر گرفته می‌شود.

## ۵. نظرات موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز

موضوع افزایش یا کاهش نرخ ارز که گاهی ذهن فعالان اقتصادی را به خود مشغول می‌کند، تأکید مجددی است بر اینکه همچنان کشور ما از فقدان یک نظام ارزی مشخص و با رفتارهای قابل پیش‌بینی و قابل اعتماد رنج می‌برد که این امر در نهایت بر امنیت اقتصادی کشور ضربه وارد می‌کند.

هرچند در سال ۱۳۸۱ و با تکراری شدن نرخ ارز جلوی بسیاری از رانت‌ها و فسادها گرفته شد؛ اما در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ که در آن به‌طور رسمی سیاست تکراری شدن نرخ ارز اعلام شد، شیوه حرکت نرخ ارز بعد از یکسان‌سازی، حیطه و نحوه دخالت دولت در بازار ارز و در صورت بروز شوک، به‌طور رسمی و مدون اعلام نشد و به‌نظر می‌رسد که در عمل بتوان آن را «نظام ارز میخکوب قابل تعدیل» دانست. زیرا تغییر ارزش ریال هماهنگ با تغییرات دلار بوده و تنها نرخ ارز با دامنه نوسانات محدودی درباره نرخ میخکوب شده تغییر می‌کند.<sup>۱</sup>

از دیگر دلایل شناور نبودن نرخ ارز می‌توان به این مورد نیز اشاره کرد که از سال ۱۳۸۱ که نرخ ارز شناور شده است ذخایر ارزی بانک مرکزی به‌شدت افزایش یافت و این نشان می‌دهد که بانک مرکزی در فروش ارز به قیمت تعیین شده مشکل جدی داشته است و از این رو باید نرخ ارز کاهش می‌یافت؛ اما بانک مرکزی برعکس عمل کرده و آن را ثابت نگه داشته و حتی افزایش داده است.<sup>۲</sup>

بنابراین قبل از آنکه بانک مرکزی بخواهد درباره نرخ ارز اقدامی انجام دهد باید به این مسئله بپردازد که نظام ارز جاری کشور چیست؟ و آنگاه در این نظام ارزی نحوه تغییرات نرخ ارز و میزان مداخله خود را مشخص کند تا بخش خصوصی و مردم بتوانند با پیش‌بینی تحولات آتی آن به برنامه‌ریزی پرداخته و ریسک اقتصادی در فضای کسب‌وکار کشور کاهش یابد.

۱. در سال جاری نظام میخکوب قابل تعدیل از تکیه بر دلار به تکیه بر یورو تغییر یافت که خود موجب آثار مختلفی بر اقتصاد شده است.  
۲. عباس شاکری، تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل)، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱.



در سال ۱۳۸۶ کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی و عدم تغییر و انعطاف ارزش ریال در مقابل دلار به مشکل نرخ ارز، بیشتر دامن زد و اگرچه نرخ ارز دوباره اوج گرفت، اما ضربات این عدم انعطاف‌پذیری تا زمانی که نظام ارزی مناسب با شرایط کشور ایجاد نشود، ادامه خواهد داشت. در ذیل به تبیین نظرات در مورد نرخ کنونی ارز پرداخته و دلایل موافقان کاهش و افزایش آن و تأثیرات این تغییرات را بر متغیرهای اصلی اقتصاد بررسی می‌شوریم.

### ۵-۱. دلایل موافقان کاهش نرخ ارز

موافقان کاهش نرخ ارز همواره بانک مرکزی و دولت را متهم می‌کنند که به دلیل تأمین بودجه، به ارزش‌گذاری بیش از حد نرخ دلار پرداخته‌اند و این اقدام سبب تضعیف قدرت خرید ریال و فشار بر طبقات محروم جامعه شده است. در اثبات بالا بودن نرخ ارز دسته‌ای از موافقان کاهش ارزش ارز به ارقام نرخ ارز تعیین شده بر مبنای نظریاتی مانند نظریه برابری قدرت خرید تأکید می‌کنند.<sup>۱</sup> گروه دیگر نیز فروش نرفتن ارز با قیمت رسمی اعلام شده به وسیله دولت را، که در افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی تجلی می‌یابد، از دلایل بالا بودن نرخ ارز در کشور دانسته و خواستار کاهش نرخ آن هستند. این گروه راه‌حل را کاهش هزینه‌های دولت می‌دانند.

برخی از موافقان کاهش نرخ ارز با توجه به آثار ناشی از نرخ ارز کنونی، کاهش نرخ ارز را ضروری دانسته و معتقدند که «وابستگی نرخ ریال به دلار و تثبیت ارزش آن با وجود نوسانات رکودی دلار موجب انتقال سریع تورم از خارج به داخل کشور شده است».<sup>۲</sup> زیرا «یورو در سال ۱۳۸۳ با قیمت ۶۷۰ تومان وارد سبد ارزی ایران شد و امروز در حدود ۱۴۸۰ تومان ارزش دارد یعنی ظرف پنج سال، ۱۳۰ درصد تورم خارجی به اقتصاد ایران تحمیل شده است. با این حساب سالی ۲۳ درصد تورم خارجی به دلیل اتخاذ سیاست‌های نادرست ارزی در کشور به اقتصاد تحمیل شد».<sup>۳</sup> به این ترتیب برخی از موافقان کاهش نرخ ارز عدم انعطاف‌پذیری ریال نسبت به نرخ دلار با وجود رکود دلار و تأثیرات تورم وارداتی بالای آن را دلیلی بر لزوم کاهش نرخ ارز دانسته‌اند.

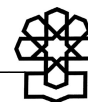
در این باره رئیس فعلی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران<sup>۴</sup> نیز با اشاره به سیاست تضعیف ارزش پول ایالات متحده بیان داشته است که «نوسانات دلار در بازارهای جهانی موجب شده است که کالا و مواد اولیه با افزایش ۳۰ درصدی در اختیار ایرانیان قرار گیرد و بی‌جهت

۱. بیژن عبدی، آزادسازی اقتصادی در فرایند جهانی شدن، مرکز مطالعات جهانی شدن ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵.

۲. علی‌نقی خاموشی، موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۳/۵/۱۳۸۷.

۳. البته افزایش قیمت یورو تنها در افزایش قیمت کالاهای مصرفی و عوامل تولیدی معامله شده با یورو مؤثر است، آن هم به نسبت سهم ارز در قیمت تمام شده.

۴. یحیی آل اسحاق، موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۳/۵/۱۳۸۷.



تولیدکنندگان داخلی کالاها را ۳۰ درصد گران‌تر بخرند».

در مطالعه دیگری<sup>۱</sup> محقق پس از بررسی نظریه‌های تعیین نرخ ارز، بر خلاف موجود در تدوین نرخ ارز و نظام ارزی مناسب برای ایران تأکید کرده و به تدوین الگویی برای تعیین نرخ ارز با هدف مقابله با تورم پرداخته است. در الگوی مزبور هرچه وابستگی تقاضای کل به نرخ ارز بیشتر باشد برای خنثی‌سازی آثار تورمی آن لازم است نرخ ارز در سطح کمتری تعیین شود. از طرف دیگر، با افزایش اثر نرخ ارز بر تولید به همراه کاهش وابستگی تقاضای کل به نرخ ارز، می‌توان نرخ ارز را در اقتصاد با کمترین آثار تورمی افزایش داد.

نرخ‌های محاسبه شده توسط وی در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷. نرخ ارز رسمی، نرخ ارز محاسبه شده، تفاوت دو نرخ ارز (ریال)

سال میلادی	نرخ رسمی ارز	نرخ ارز محاسبه شده	تفاوت دو نرخ ارز
۱۹۷۰	۷۵/۷۵	۲۸۹/۵۰	-۲۱۳/۷۵
۱۹۷۱	۷۵/۷۵	۳۳۸/۷۱	-۲۶۲/۹۶
۱۹۷۲	۷۵/۷۵	۳۲۵/۳۱	-۲۴۹/۵۶
۱۹۷۳	۶۸/۸۸	۲۶۸/۵۵	-۱۹۹/۶۷
۱۹۷۴	۶۷/۵۴	۵۸/۲۳	۹/۳۱
۱۹۷۵	۶۸/۱۷	۶۱/۹۸	۶/۱۹
۱۹۷۶	۷۰/۵۳	۶۲/۷۷	۷/۷۶
۱۹۷۷	۷۰/۵۸	۶۲/۱۵	۸/۴۳
۱۹۷۸	۷۰/۴۸	۸۸/۴۸	-۱۸/۰۰
۱۹۷۹	۷۰/۴۸	۸۳/۹۷	-۱۳/۴۹
۱۹۸۰	۷۱/۵۷	۱۱۴/۴۸	-۴۲/۹۱
۱۹۸۱	۸۰/۰۳	۸۶/۳۶	-۶/۳۳
۱۹۸۲	۸۴/۴۵	۹۶/۱۵	-۱۱/۷
۱۹۸۳	۸۷/۲۳	۸۲/۶۷	۴/۵۶
۱۹۸۴	۹۱/۹۰	۱۱۲/۶۵	-۲۰/۷۵
۱۹۸۵	۲۰۷/۳۰	۱۳۴/۴۸	۷۲/۸۲
۱۹۸۶	۲۱۷/۵۰	۳۵۰/۰۱	-۱۳۲/۵۱
۱۹۸۷	۲۲۱/۶۰	۲۵۱/۶۵	-۳۰/۰۵
۱۹۸۸	۲۳۷/۱۰	۳۲۸/۸۰	-۹۱/۷
۱۹۸۹	۲۹۹/۱۰	۱۹۲/۴۱	۱۰۶/۶۹
۱۹۹۰	۳۹۴/۲۰	۱۹۱/۴۳	۲۰۲/۷۷
۱۹۹۱	۵۱۱/۷۰	۲۰۴/۹۹	۳۰۶/۷۱
۱۹۹۲	۶۵۵/۱۰	۲۴۴/۱۵	۴۱۰/۹۵

۱. حسین صمصامی، بررسی و تدوین الگوی تعیین نرخ ارز مناسب، دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۸.



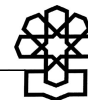
سال میلادی	نرخ رسمی ارز	نرخ ارز محاسبه شده	تفاوت دو نرخ ارز
۱۹۹۳	۱۶۴۶/۹۰	۵۳۶/۴۰	۱۱۱۰/۵
۱۹۹۴	۱۷۴۹/۰۰	۱۲۳۷/۴۳	۵۷/۵۱۱
۱۹۹۵	۱۹۳۸/۰۰	۱۳۱۴/۳۸	۶۲۳/۶۲
۱۹۹۶	۲۰۴۰/۰۰	۱۳۶۸/۲۶	۶۷۱/۷۴
۱۹۹۷	۲۴۵۰/۰۰	۲۴۶۶/۹۴	-۱۶/۹۴
۱۹۹۸	۲۳۹۰/۰۰	۲۸۷۶/۰۵	-۴۸۶/۰۵
۱۹۹۹	۳۰۲۰/۰۰	۱۹۷۰/۳۳	۴۹/۶۷
۲۰۰۰	۵۱۷۰/۰۰	۲۹۷۸/۹۰	۲۱۹۱/۱
۲۰۰۱	۵۳۲۰/۰۰	۲۶۴۴/۷۸	۲۶۷۵/۲۲
۲۰۰۲	۷۹۵۸/۰۵	۲۶۵۶/۸۰	۵۳۰۱/۲۵
۲۰۰۳	۸۲۸۱/۰۵	۲۸۹۹/۵۳	۵۳۸۱/۵۲
۲۰۰۴	۸۷۳۸/۹۶	۲۸۰۱/۴۵	۵۹۳۷/۵۱
۲۰۰۵	۹۱۷۹/۰۲	۲۷۴۲/۵۴	۶۴۳۶/۴۸

Source: Nasser Sherafat, Hussain Samsami, Mehdi Sadeghi, Inflation Targeting Exchange Rate Policy For Oil Producing Country : the Case of Iran, *International Research journal of Finance & Economics*, Issue 12, (2007).

#### ۱-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر تورم

در اقتصادهای پیشرفته رقابتی و باثبات اغلب این تغییر سطح عمومی قیمت‌هاست که سبب تغییر نرخ ارز می‌شود و تغییرات نرخ ارز تنها از طریق سهمی که هزینه‌های نهاده‌های وارداتی در تولید دارند و نیز از طریق قیمت واردات کالاهای مصرفی، تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهند که این اثر قابل ملاحظه نیست. در مورد تأثیر نرخ ارز بر تورم دورنبوش (۱۹۹۳) چنین تحلیل می‌کند که تغییر در نرخ ارز به صورت تنزل ارزش پول ملی گرایش به بالا بردن سطح قیمت‌های داخلی دارد و پدیده تورم را پیش می‌آورد. در اینجا دو سازوکار یکی مستقیم و دیگری غیرمستقیم اثر دارد. مسیر مستقیم این است که قیمت کالاهای وارداتی برحسب پول داخلی افزایش می‌یابد. مسیر غیرمستقیم اینکه بنگاه‌های داخلی با افزایش قیمت کالاهای خارجی می‌توانند قیمت‌ها را بالا ببرند و در بازار نیروی کار، کارگران می‌توانند هنگامی که قیمت‌های بالاتر وارداتی، هزینه زندگی آنان را افزایش داده، طلب دستمزد بیشتر کنند. از این رو تغییرات نرخ ارز با سیاست تورم در ارتباط است.<sup>۱</sup> در کشور ما سهم نهاده‌های وارداتی در تولید بالاست با توجه به اینکه انتظارات تورمی نیز وجود دارد، افزایش نرخ ارز می‌تواند تأثیر بالایی بر تورم ایجاد کند.

۱. سعید توتونچی ملکی، اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولید کل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۸۵، ص ۶۷.



مطابق جدول ۷ و برخی بررسی‌های دیگر<sup>۱</sup> صنایع مختلف کشور در طول سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۱ حداقل در حدود ۵ درصد تا حداکثر حدود ۷۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی داشته‌اند که در نهایت در سال ۱۳۸۱ این نرخ به حداقل ۱۰ درصد (صنایع غذایی، آشامیدنی، دخانیات، چوب و محصولات چوبی) تا حداکثر ۵۰ درصد (صنایع شیمیایی، زغال‌سنگ، لاستیک و پلاستیک) رسیده است و می‌توان گفت بخش‌های مختلف صنعت هنوز هم وابستگی زیادی به ارز داشته و از نوسانات آن تأثیر زیادی می‌گیرند.

برخی مدعی‌اند که در ایران رابطه علیت از سوی نرخ ارز بر تورم وجود دارد. مطالعات فراوانی نیز در کشور نشان داده‌اند که می‌توان از نرخ ارز به‌عنوان لنگری برای جلوگیری از افزایش تورم استفاده کرد.<sup>۲</sup>

از سویی دیگر تبدیل دلارهای نفتی به ریال از طریق بانک مرکزی، افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و رشد پایه پولی را به‌وجود می‌آورد که باتوجه به رابطه آن با رشد نقدینگی سبب افزایش تورم در کشور می‌شود.

## ۲-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر بودجه

موافقان طرح کاهش نرخ ارز با آگاهی از این انتقاد که طرح آنها منجر به کسری بودجه می‌شود، معتقدند با کاهش نرخ ارز شاید در ابتدا دولت با کسری بودجه مواجه شود (بگذریم از کسانی که بر کاهش هزینه‌های دولت تأکید می‌کنند)، اما باتوجه به کاهش نرخ تورم، به دنبال کاهش نرخ ارز، هزینه‌های دولت نیز در سال‌های بعد کاهش خواهد یافت و در نتیجه تنها باید به فکر چگونگی تأمین کسری بودجه در کوتاه‌مدت بود. بنابراین برخی معتقدند که «دولت می‌تواند با تدوین برنامه پنج‌ساله، کسری بودجه خود را با اخذ مجوز مجلس از حساب ذخیره ارزی تأمین کند. بنابراین دولت باید در طول پنج سال برنامه‌ریزی خود، حقوق و دستمزد کارگران را ثابت نگه دارد، زیرا با کاهش نرخ تورم دیگر به افزایش حقوق نیازی نیست و هزینه‌های زندگی سیر نزولی طی می‌کند».<sup>۳</sup> به‌نظر می‌رسد اگرچه نرخ ارز می‌تواند به‌عنوان اهرمی در کاهش تورم عمل کند؛ اما نباید در کاهش نرخ ارز خیلی بلندپروازانه یا شتاب‌زده عمل کرد، زیرا باتوجه به شرایط سیاسی کشور باید ذخیره ارز احتیاطی حفظ شود.

۱. کاظم یاور، تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴، صص ۳۳-۳۵.

۲. عباس شاکری، آثار یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مهر ۱۳۸۲، ص ۳۵.

۳. علینقی خاموشی، موافقان و مخالفان نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷/۵/۱۲.



### ۳-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر صادرات

به نظر می‌رسد کاهش نرخ ارز حداقل در کوتاه‌مدت و قبل از آنکه به کاهش هزینه‌های تولید و تورم منجر شود به صادرات لطمه وارد کند. برای مقابله با این اثر نظر موافقان کاهش بر ارائه یارانه صادراتی است.

### ۴-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر واردات

برخلاف تأثیر نرخ ارز بر صادرات، در مورد تأثیر نرخ ارز بر واردات اختلاف نظری وجود ندارد و همگی معتقدند که با کاهش نرخ ارز، میزان واردات هر سه نوع کالای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی افزایش می‌یابد.

موافقان طرح کاهش نرخ ارز برای مقابله با افزایش بالای حجم واردات مصرفی معتقدند که باتوجه به عدم الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و اینکه نرخ ارز کنونی بالاتر از حد واقعی ارزش‌گذاری شده است، اولاً در کوتاه‌مدت می‌توان تعرفه‌ها و حقوق ورودی را برحسب نرخ ارز جدید تغییر داد تا اثر نامطلوب کاهش نرخ ارز بر واردات کاهش یافته یا از بین برود و ثانیاً باید نظام ارزی منعطف و قانونمند به وجود آورد و تعرفه‌ها و حقوق ورودی را براساس آن بازتعریف نمود.

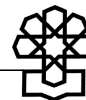
### ۵-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر وام‌های ارزی

یکی از مباحثی که درباره تغییر نرخ ارز مورد مناقشه است، وام‌های ارزی پرداخت شده در گذشته است. البته هر دو گروه موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز از وام‌های ارزی به‌عنوان یکی از دلایل درست بودن طرح خود نام می‌برند.

طرفداران کاهش نرخ ارز معتقدند با کاهش نرخ ارز میزان بدهی ارزی برحسب معادل ریالی کاهش یافته و به دریافت‌کننده وام کمک می‌شود تا با مشکل نقدینگی کمتر در بازپرداخت وام دریافتی توان‌تر باشند و به این ترتیب باز به‌گونه‌ای دیگر به تولید کمک شده است. البته باید توجه داشت این یک یارانه است که بنگاه‌ها علاوه بر امتیاز استفاده از اعتبار دریافتی، کسب می‌کنند و پرداخت چنین یارانه‌ای به واحدهای تولیدی خاص توجیه اقتصادی می‌خواهد.

### ۶-۱-۵. تأثیر نرخ ارز بر خروج سرمایه

موافقان طرح کاهش نرخ ارز در مقابل خطر فرار سرمایه ناشی از این طرح استدلال می‌کنند باتوجه به اینکه بازده سرمایه‌گذاری به‌دلیل فرصت‌های رشد کشور در ایران بالاتر از خارج است و نرخ بهره در خارج نیز پایین‌تر است، نباید فرصت‌های سرمایه‌گذاری در خارج کشور را خیلی عالی دانست.



«سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی از یک طرف به متغیرهای مبنایی و زیربنایی مانند حقوق مالکیت، امنیت به معنای وسیع کلمه، وجود رقابت‌پذیری و کارآفرینان و مدیران مستعد و ... وابسته است و از طرف دیگر به ثبات اقتصادی و تعادل و توازن متغیرها بستگی شدیدی دارد. از این دو متغیر که بگذریم نوبت به متغیرهای قیمتی و مقداری مدلی می‌رسد»<sup>۱</sup>.

در نتیجه اگر کاهش نرخ ارز بتواند موجب کاهش تورم و ثبات اقتصادی شود باتوجه به بحران‌های جهانی و پایین بودن نرخ بهره خارجی الزاماً خروج ارز نخواهیم داشت و حتی در صورت تحقق، می‌توان خروج ارز را موقتی دانست که در میان‌مدت به ورود سرمایه به کشور منجر خواهد شد. بعضی نیز معتقدند در حال حاضر سرمایه‌هایی (حدود دو میلیارد دلار) به کشور وارد شده‌اند تا با کاهش ناگهانی نرخ ارز دوباره و با ارزش بالاتری خارج شوند.<sup>۲</sup>

در پاسخ به این انتقاد نیز گفته می‌شود، در صورتی که دولت نرخ ارز را به آرامی و به تدریج کاهش دهد، انگیزه سفته‌بازی نیز از میان می‌رود.

## ۲-۵. دلایل موافقان افزایش نرخ ارز

در حالی که گروهی معتقد به بالا بودن نرخ ارز و خواهان کاهش آن هستند، گروهی نیز مخالف این کاهش بوده و تأکید دارند که نرخ ارز باید افزایش یابد. اصلی‌ترین دلیل این گروه آن است که نرخ تورم در ایران بالاتر از نرخ تورم طرف‌های عمده تجاری و تورم جهانی است.

بالا بودن نرخ تورم داخلی یعنی کاهش ارزش و قدرت خرید پول، در نتیجه نرخ ارز باید به نسبت تورم‌های دو کشور تعدیل شود، اما از آنجایی که نرخ ارز ما شناور مدیریت شده یا در عمل می‌خکوب است این تعدیل صورت نگرفته است. در نتیجه تولیدکننده داخلی باتوجه به تورم با هزینه تولید بالاتری روبه‌رو بوده و در صورتی که بخواهد افزایش هزینه را با افزایش قیمت جبران کند با واردات کالا مواجه می‌شود. زیرا باتوجه به عدم تعدیل نرخ ارز قیمت کالاهای وارداتی ثابت باقی مانده است. تولیدکننده داخلی اگر نخواهد تولید را رها کند باید از میزان حاشیه سود خود بکاهد یا در نقطه سر به سر یا حتی پایین‌تر از آن تولید کند.

### ۱-۲-۵. نرخ مؤثر و حقیقی ارز

باید میان نرخ اسمی ارز و نرخ مؤثر ارز که منعکس‌کننده قیمتی است که در عمل میان خریدار و فروشنده مبادله می‌شود نیز تمایز قائل شویم.

۱. عباس شاکری، آثار یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۵۷.

۲. اسدالله عسکراولادی، انتقاد عسکراولادی از طرح خاموشی برای کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۶/۵/۱۳۸۷.



در بسیاری از کشورهای جهان، مقامات پولی با اعمال سیاست‌هایی همچون وضع مالیات بر واردات و صادرات، اخذ پیمان‌های ارزی، مالیات بر معاملات ارزی، محدودیت‌ها و کنترل‌های دیگری همچون سپردن وثیقه (ارزی)، تسهیلات و امتیازها برای صادرات، نرخ ارز دریافتی و پرداختی را تغییر می‌دهند.

نرخ مؤثر ارز، مقدار پول داخلی است که در «عمل» و با احتساب تمام موارد بالا، برحسب یک واحد پول خارجی در معاملات و مبادلات ارزی مختلف میان خریدار و فروشنده مبادله می‌شود. تعریف دیگری نیز از نرخ مؤثر ارز در متون اقتصادی مطرح می‌شود که عبارت است از: متوسط وزنی نرخ ارز تمام طرف‌های تجاری کشور مورد بررسی.

محاسبه نرخ مؤثر اسمی و حقیقی ارز در کشور ما بسیار مشکل بوده و با اطمینان کم همراه است. زیرا بسیاری از تبادلات با کشورهای عمده طرف تجاری ما با ارزی غیر از واحد پولی آن کشورها انجام می‌شود. در نتیجه برای محاسبه نرخ مؤثر اسمی ارز نمی‌توان از وزن اسعار آن کشورها استفاده کرد. یک راه حل آن است که به جای استفاده از اسعار کشورهای عمده تجاری از وزن اسعاری که مبادلات در عمل به وسیله آنها صورت می‌گیرد، استفاده شود.

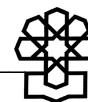
در محاسبه نرخ مؤثر حقیقی ارز مشکل بیشتر است، زیرا این سؤال مطرح است که آیا باید شاخص قیمت کشورهای طرف تجاری را استفاده کرد یا شاخص قیمت کشورهای که مبادله براساس نرخ ارز آنها صورت گرفته است؟

وجود این ابهامات در محاسبه موجب شده است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با وجود محاسبه نرخ مؤثر اسمی و حقیقی ارز، به ارائه آنها نپردازد و تنها از این نرخ‌ها در گزارش‌های داخلی خود استفاده نماید.

در نشریه برنامه که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور آن را منتشر می‌سازد، آمار نرخ‌های مؤثر اسمی و حقیقی ارز با مأخذ بانک مرکزی ذکر شده که در جدول ۹ ارائه و در مورد نحوه محاسبه آن نیز توضیح ذیل بیان شده است:

«در کشور ما نرخ مؤثر اسمی ارز براساس میانگین موزون ارزش برابری ریال در مقابل اسعار مختلف (دلار، یورو، ین، استرلینگ) محاسبه می‌شود. اوزان اسعار نیز براساس سهم آنها در تجارت خارجی ایران محاسبه شده است. نرخ یاد شده پس از ضرب شدن در نسبت شاخص قیمت موزون چهار کشور مرجع به شاخص هزینه زندگی ایران، نرخ مؤثر حقیقی ارز را ارائه می‌کند.»<sup>۱</sup>

۱. بررسی بازار ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰.



جدول ۸. نرخ حقیقی و مؤثر ارز در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۳ (ریال به ازای هر دلار)

سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
نرخ حقیقی ارز	۹۴۳۲	۸۱۸۸	۷۳۹۴	۶۴۹۵	۵۹۶۵	۵۳۹۸
نرخ مؤثر حقیقی ارز	۹۳۶۴	۷۸۷۱	۶۹۵۲	۶۳۵۷	۶۱۹۴	۵۹۶۸

مأخذ: بررسی بازار ارز در کشور در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰.

«بررسی روند نوسان‌های نرخ حقیقی ارز در سال‌های اخیر، نشان‌دهنده روند نزولی آن از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ است که حاکی از کاهش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخلی و کاهش توان صادراتی است، زیرا در شکل‌گیری این نرخ، نرخ‌های تورم داخلی و خارجی دخیل بوده و افزایش فزاینده نرخ تورم داخلی نسبت به متوسط نرخ‌های تورم جهانی از قدرت رقابتی کالاهای داخلی کاسته و زمینه رشد نامناسب واردات را نسبت به رشد تولید ناخالص داخلی فراهم ساخته است»<sup>۱</sup>.

#### ۲-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر تورم

مخالفان طرح کاهش نرخ ارز معتقدند اگرچه کنترل تورم از اهداف مهم اقتصادی است؛ اما به‌نظر می‌رسد در اقتصاد ایران از نرخ ارز به‌عنوان ابزاری در جهت کنترل تورم بیش از حد استفاده شده است.

آنها معتقدند که در صورت تداوم نرخ ارز کنونی (و یا با کاهش آن) هر چند ممکن است با ارزان‌تر شدن واردات، تورم کاهش یابد، اما این امر فشار بالایی بر تولیدکنندگان داخلی و اشتغال کشور وارد می‌آورد.

#### ۳-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر بودجه

یکی از اصلی‌ترین عوامل تصمیم‌گیری برای نرخ ارز، کسب درآمد مورد نیاز بودجه بوده است. مخالفان کاهش نرخ ارز عقیده دارند که در حال حاضر - به دلیل قیمت‌های بالای نفت - کشور ذخیره ارزی مناسبی دارد؛ اما اگر مثلاً نرخ دلار را به جای ۹۳۰۰ ریال به ۴۵۰۰ ریال تغییر دهند، باتوجه به اینکه قادر به کم کردن میزان ریال مورد نیاز از طریق بودجه نیستیم باید برای تأمین بودجه به جای ۵۰ میلیارد دلار، ۱۰۰ میلیارد دلار را به ریال تبدیل کنیم که این تفاوت می‌باید از ذخایر ارزی موجود تأمین شود.<sup>۲</sup> باتوجه به محدودیت ذخایر ارزی و احتمال کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و در صورت بروز هرگونه بحران، ممکن است کشور با آسیب‌های جدی روبه‌رو شود.

۱. همان.

۲. اسدالله عسگر اولادی، انتقاد عسگر اولادی از طرح خاموشی برای کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصادی، ۱۶/۵/۱۳۸۷.



#### ۴-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر صادرات

موافقان افزایش نرخ ارز با تأکید بر تئوری‌های اقتصادی که تأثیر نرخ ارز بر صادرات را مستقیم می‌دانند و با اشاره به برخی از مطالعات تجربی در ایران، معتقدند که افزایش نرخ ارز می‌تواند به رشد صادرات بیانجامد.<sup>۱</sup>

همچنین در مخالفت با کسانی که معتقد به کاهش نرخ ارز هستند و یارانه صادراتی را برای رفع آثار منفی کوتاه‌مدت آن بر صادرات پیشنهاد می‌دهند، استدلال می‌کنند: در صورتی که بخواهیم یارانه صادراتی را مبنای قرار دهیم وقتی در حال حاضر صادرکننده برای دریافت یک درصد جایزه صادراتی باید دو تا سه سال منتظر بماند، چگونه باید به یارانه صادراتی بیشتر امیدوار باشد.

#### ۵-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر واردات

مخالفان کاهش نرخ ارز معتقدند اگرچه کاهش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کاهش هزینه تولید و افزایش صادرات و اشتغال می‌تواند مؤثر و مطلوب باشد؛ اما از آنجاکه از یک سو برخی از کالاهای نهایی و واسطه‌ای تولیدکنندگان داخلی دارند و از سوی دیگر کاهش نرخ ارز می‌تواند منجر به ورود حجم بالای واردات مصرفی شود، تمام آثار آن بر واردات مثبت نیست.

علاوه بر این باتوجه به اینکه ایران در آستانه الحاق به سازمان جهانی تجارت است، در نتیجه نمی‌توان تعرفه‌ها یا حقوق ورودی را تغییر داد یا بهتر است که آنها را کاهش ندهیم تا قدرت چانه‌زنی بیشتری داشته باشیم.

همچنین دو مشکل دیگر در حمایت از تولید با افزایش تعرفه‌ها (به‌جای افزایش نرخ ارز) وجود دارد، اولاً در اغلب موارد ارزش کالا به‌صورت واقعی در فاکتورها اظهار نخواهد شد و در نتیجه افزایش میزان تعرفه پرداختی با کاهش واردات تناسبی ندارد و ثانیاً وقتی تعرفه‌ها بالا رفت میزان قاچاق نیز افزایش می‌یابد.<sup>۲</sup>

#### ۶-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر وام‌های ارزی

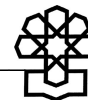
یکی از دلایل گروهی از مخالفان طرح کاهش نرخ ارز، بحث وام‌های ارزی است که دولت در گذشته پرداخته است. آنها دریافت‌کنندگان وام‌ها را رانت‌خوارانی دانسته‌اند که همواره از منافع دولتی بهره برده‌اند و حتی طرح کاهش نرخ ارز را ناشی از فشارها و رایزنی‌های این گروه دانسته‌اند.

برای مثال یکی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق تهران<sup>۳</sup> می‌گوید: بسیاری از صاحبان و مالکان صنایع بزرگ و پر قدرت در سالیان گذشته وام‌های ارزی بسیاری دریافت کرده‌اند؛ ولی هنگامی که

۱. البته همان‌طور که در بخش تأثیر نرخ ارز بر صادرات ذکر شد نتایج برخی از مطالعات تجربی با استدلال فوق متفاوت است.

۲. فرهاد فزونی، چه کسانی از کاهش نرخ ارز خوشحال می‌شوند؟! دنیای اقتصاد، ۱۶/۵/۱۳۸۷.

۳. همان.



تمام نیروها و روابط خود را برای گرفتن این وام‌های ارزی به کار می‌گرفتند به فکر توان مالی خود در هنگام پس دادن وام‌ها نبودند. بنابراین زمانی که ارزش یورو از ۶۷۰۰ ریال به ۱۴۰۰۰ ریال افزایش یافت از بازپرداخت وام‌ها خودداری کردند. البته اول با دولت مذاکره و موافقت آن را جلب کردند تا جریمه‌های عدم بازپرداخت وام را ببخشند. حالا نیز می‌خواهند ارزش ریال دوبرابر شود تا هنگام بازپرداخت احتمالی وام‌ها فشاری به این سرمایه‌گذاران که سال‌ها از وام‌هایی با نرخ سود ۶ یا ۷ درصدی استفاده کرده‌اند، وارد نیاید، در حالی که دیگران نرخ‌هایی تا حدود ۳۰ درصد پرداخت می‌کردند.

در صورت صحت ادعای این گروه، مشکل موجود به نرخ ارز مربوط نیست؛ بلکه باید در سازوکار اعطای وام یا نظارت بر رفتار وام‌گیرندگان تجدیدنظر شود.

### ۷-۲-۵. تأثیر نرخ ارز بر خروج سرمایه

کاهش فرار سرمایه‌ها را یکی دیگر از نتایج کاهش ارزش نرخ ارز می‌دانند. آنها معتقدند کاهش نرخ ارز به معنای مناسب‌تر شدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در خارج و قدرت بالاتر در خرید کالاهای سرمایه‌ای خارجی است و از طرف دیگر با گران‌تر شدن سرمایه‌گذاری در ایران و قدرت سرمایه‌گذاری پایین‌تر خارجیان به نسبت قبل موجب کاهش سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود.

## جمع‌بندی

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که افزایش و کاهش نرخ ارز هر دو آثار مثبت و منفی مختلفی بر متغیرهای اصلی اقتصاد دارد و نمی‌توان سطح مناسبی برای آن پیدا کرد که تمام اهداف مختلف اقتصادی را برآورد. این سیاست‌گذاران اقتصادی هستند که با توجه به ضریب اهمیتی که به اهداف مختلف اقتصادی می‌دهند، سیاست ارزی کشور را تعیین می‌کنند.

اگر هدف اصلی اقتصاد کنترل تورم باشد آنگاه سیاست کاهش نرخ ارز و اگر هدف محدود کردن واردات باشد، سیاست افزایش نرخ ارز می‌تواند مناسب‌تر باشد.

اما در هر حال برای اجرای هر سیاست ارزی باید به دو نکته توجه داشت:

۱. میزان ذخایر ارزی کشور باید ملاحظه شود تا مطمئن شد می‌توان از نرخ ارز تعیین شده حمایت کرد،

۲. اعمال سیاست‌های مکمل برای کاهش آثار نامطلوب نرخ ارز هدف بر متغیرهای اقتصادی.

از آغاز برنامه سوم توسعه، دولت برای کاهش نوسانات نرخ ارز و امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی بر ثبات نرخ ارز تأکید کرده و در طول آن برنامه و سال‌های برنامه چهارم نیز توانسته



است با اتکا بر نخایر ارزی آن را تقریباً ثابت نگاه دارد. اما باتوجه به اینکه نظام ارزی کشور نظام شناور مدیریت شده اعلام شده، همواره خطر تغییر نرخ ارز برای فعالان اقتصادی وجود داشته است. باتوجه به اینکه تجربه این سالها نشان می‌دهد که توان اداری برای واکنش مناسب در مورد تحولات اقتصاد داخلی و بین‌الملل به شکل تعدیل سریع نرخ ارز در کشور وجود ندارد و بانک مرکزی نیز به دنبال ایجاد ثبات نرخ ارز است، می‌توان این پیشنهاد را مطرح کرد که بانک مرکزی هر سال یک نرخ ثابت ارز تعیین کند تا فعالان اقتصادی در آن سال با دغدغه کمتری فعالیت کنند.

### نتیجه‌گیری

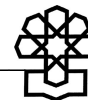
۱. از آنجاکه نرخ ارز اثر متفاوتی بر متغیرهای کلان اقتصادی (مانند تورم، صادرات، واردات، جریان سرمایه و غیره) دارد، نمی‌توان هیچ نرخ ارز مطلوبی به‌دست آورد که بر همه متغیرهای کلان اثر مثبت داشته باشد؛ بلکه دولتمردان در هر زمان باتوجه به ضریب اهمیتی که به هر یک از متغیرهای کلان می‌دهند و با اتکا به نخایر ارزی خود در بازار دخالت می‌کنند، تا نرخ ارز مورد نظر را اعمال کنند.

۲. در بعضی اظهارنظرها به‌گونه‌ای بحث می‌شود که گویا باید از طریق نرخ ارز جلوی تمام کمبودها و نواقص اقتصاد را گرفت. یک اصل اقتصادی می‌گوید باید به تعداد اهداف، ابزار داشت. در نتیجه زمانی که یک نرخ ارز تعیین شد برای رفع آثار نامطلوب آن، باید از ابزارها و سیاست‌های متعدد دیگری استفاده کرد.

۳. همواره باید میان سیاست‌های اقتصادی هماهنگی وجود داشته باشد. نمی‌توان از سیاست‌های انبساطی پولی و مالی استفاده کرد یا به کاهش تعرفه‌ها مبادرت ورزید و از طرف دیگر به تثبیت نرخ ارز پرداخت. زیرا این سیاست‌ها سبب کاهش ارزش پول ملی می‌گردند و افزایش نیافتن نرخ ارز هم‌زمان با این تغییرات موجب انحراف آن از میزان واقعی و اختلال در نظام ارزی و بازرگانی کشور می‌شود.

۴. عدم انعطاف‌پذیری نرخ ارز کشور را باید دلیل اصلی عدم تفاهم‌ها میان موافقان کاهش و افزایش نرخ ارز دانست. از یک طرف عدم انعطاف‌پذیری نرخ ارز در مقابل اختلاف تورم داخل و خارج موجب کاهش نرخ حقیقی ارز و ارزانی واردات می‌شود که تولیدکنندگان داخلی کالای مشابه واردات را با مشکل روبه‌رو می‌کند. از طرف دیگر وقتی نرخ دلار در مقابل اسعار دیگر در جهان کاهش یافت، تثبیت آن در داخل کشور موجب بیشتر شدن تورم شد. حال آنکه از مزیت‌های نرخ ارز شناور آن است که مانع از ورود تورم خارجی و انتقال نوسانات ناگهانی اقتصاد بین‌الملل به اقتصاد ملی می‌شود.

۵. باید توجه داشت که کیفیت، تنوع و نوگرایی، فناوری و بهره‌وری از عوامل تعیین‌کننده در رشد



صادرات است و تا زمانی که این عوامل فراهم نبوده و موانع رشد (در نهاد سیاست‌گذاری، محیط کسب‌وکار رقابتی، ساختار اداری و اجرایی و ...) وجود داشته باشد نمی‌توان انتظار داشت با یک سیاست ارزی و قیمتی، تغییر جدی و بلندمدتی در ترانز پرده‌های کشور حاصل شود و باید تأکید اساسی بر افزایش توان رقابت و افزایش کمی و کیفی تولیدات باشد.

۶. مطالعات تجربی انجام شده در کشور درباره تأثیر نرخ ارز بر صادرات را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مطالعاتی است که تنها به تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات پرداخته‌اند و در مقابل گروه دوم علاوه بر تأثیر مستقیم به تأثیر غیرمستقیم نرخ ارز بر صادرات از طریق متغیرهایی مانند تولید ناخالص داخلی و تورم نیز توجه کرده‌اند.

تأثیر مستقیم نرخ ارز بر صادرات در هر دو گروه مطالعات مثبت برآورد شده است. اما وجود تأثیرات غیرمستقیم منفی در مطالعات گروه دوم و اختلاف به دست آمده در تأثیر مجموع (مستقیم و غیرمستقیم) نرخ ارز بر صادرات در نتایج مطالعات گروه دوم مانع از نتیجه‌گیری متقن و صریح در این خصوص می‌شود.

بنابراین استفاده از ابزار سیاست ارزی در تأثیرگذاری بر صادرات غیرنفتی نیازمند بررسی کمی و دقیق میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نرخ ارز بر آن در زمان اعمال سیاست است.

۷. موافقان کاهش نرخ ارز معتقدند در صورت کاهش نرخ ارز، تورم کاهش یافته، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ارزان‌تر شده و صادرات غیرنفتی پس از یک دوره کوتاه‌مدت، (به دلیل کاهش تورم و افزایش تولید) افزایش یافته و هزینه‌های بودجه دولت در سال‌های بعد، کم می‌شود.

۸. موافقان کاهش نرخ ارز معتقدند که نرخ ارز تعیین شده در سال ۱۳۸۱ برای تکنرخی شدن و از بین رفتن تمام انواع کنترل ارزی، بسیار بالا بوده است و در سال‌های بعد نیز به دلیل نیازهای بودجه‌ای بالاتر رفته است. همچنین در سال جاری با توجه به کاهش ارزش دلار، ارزش پول ملی نسبت به آن باید تقویت می‌شد که این امر محقق نشد.

۹. موافقان افزایش نرخ ارز نیز با اشاره به تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی معتقدند که در این سال‌ها نرخ حقیقی ارز کاهش یافته است و در مقایسه با نرخ رشد تورم، نرخ ارز باید افزایش یابد.

۱۰. با توجه به نظرات مخالفان کاهش نرخ ارز و تأثیرات منفی آن از جمله کاهش رقابت‌پذیری صادرات غیرنفتی (در کوتاه‌مدت)، افزایش واردات کالاهای مصرفی، کاهش درآمدهای ریالی دولت از صادرات نفتی در بودجه و خروج سرمایه، در صورت اتخاذ این سیاست، باید برنامه‌های جبرانی به شکل پرداخت یارانه‌های صادراتی، افزایش تعرفه‌ها برحسب نوع سیاست حمایتی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در گروه‌های کالایی مختلف و راه‌های جبرانی برای تأمین بودجه دولت یا کاهش هزینه‌ها انجام گیرد.



## پیشنهادها

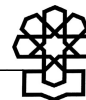
۱. اگر هدف از کاهش نرخ ارز، کاهش تورم باشد ابتدا باید از سیاست‌های تورم‌زا چه با پشتوانه افزایش ذخایر ارزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و چه بدون پشتوانه جلوگیری کنیم و سپس به سراغ کاهش تورم از طریق کاهش نرخ ارز برویم.

هرچند کاهش نرخ ارز می‌تواند در کاهش تورم و انتظارات تورمی مؤثر باشد؛ اما نمی‌توان با افزایش ۳۹/۴ یا ۲۷/۷ درصدی نقدینگی به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و اثرات تورمی ناشی از آن همزمان به کاهش نرخ ارز نیز مبادرت ورزید.

۲. باید از هرگونه تغییر ناگهانی نرخ ارز که موجب کاهش شدید اعتماد، از بین رفتن امنیت اقتصادی و سوءاستفاده سفته‌بازان ارزی می‌شود، جلوگیری کرد. این امر به خصوص زمانی که چند طرح تحول اقتصادی دیگر نیز همزمان در حال اجراست، نگرانی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به شدت افزایش می‌دهد. بنابراین تغییر نرخ ارز (پس از تأیید کارشناسی لزوم آن)، باید گام‌به‌گام و با دریافت بازخوردهای بازار و با برنامه زمانی معین صورت گیرد.

۳. هرچند انعطاف‌پذیری نرخ ارز جزء ویژگی‌های مطلوب اقتصادهای پایدار است، ولی با توجه به شرایط کشورهای در حال توسعه و کشور ما و امکان آسیب‌پذیری اقتصاد به واسطه فعالیت‌های سفته‌بازی برنامه‌ریزی شده در این کشورها راه‌حل اول برای این مسئله، استفاده از تجربه چین است که به میخکوب کردن نرخ ارز به نرخ دلار به‌عنوان بزرگ‌ترین طرف تجاری اقدام نمود. از این‌رو در کشور ما میخکوب کردن نرخ ارز به یورو و دلار یا ترکیبی از ارزهای عمده مورد استفاده در مبادلات تجاری کشور می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۴. به نظر می‌رسد یکی از راه‌هایی که می‌توان برای حل مشکل فروش ارز برای تأمین درآمد ریالی مورد نیاز در بودجه پیشنهاد کرد کاهش اتکای دولت به درآمدهای نفتی و محدودیت عرضه ارز به بازار ارزی کشور است. اگر بتوان میزان و نحوه عرضه ارز دولتی و نرخ مربوط را حداقل به‌طور سالیانه مشخص کرد آنگاه نرخ ارز در بازار قابلیت پیش‌بینی می‌یابد و در آن صورت با عملیاتی شدن فعالیت معاملات سلف و دیگر انواع معاملات، ریسک نوسان نرخ ارز در بازار ایران نیز برای صادرکننده و واردکننده کاهش پیدا می‌کند.

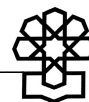


## منابع و مآخذ

۱. ادیب، محمدحسین. سیاست‌های پولی و مالی دولت همخوانی ندارند، آفتاب یزد، ۹ آذر ۱۳۸۶.
۲. ارزیابی آثار نرخ ارز بر متغیرهای مهم اقتصاد کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۷.
۳. ارزیابی پیامدهای تغییر نرخ ارز در اقتصاد ایران، (گزارش منتشر نشده)، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. جلال‌آبادی، اسد...، صمد عزیزنژاد و محمودرضا مستقیمی. اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر واردات کالاهای واسطه‌ای - سرمایه‌ای صنعت ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۷۷.
۵. آل‌اسحاق، یحیی. موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۳/۵/۱۳۸۷.
۶. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir).
۷. بررسی بازار ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰.
۸. بررسی بازارهای سلف ارز و مشکلات راه‌اندازی آن در ایران، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیر ۱۳۸۷.
۹. بخش world Economic Outlook سایت رسمی صندوق بین‌المللی پول به آدرس: [www.IMF.org/external/pub/weo/2006/01/data/dbcoutm.cfm](http://www.IMF.org/external/pub/weo/2006/01/data/dbcoutm.cfm)
۱۰. بیدآباد، بیژن. الگوی اقتصادسنجی کلان ایران (نسخه ۵/۰)، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۸۳.
۱۱. توتونچی ملکی، سعید. اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولید کل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۸۵.
۱۲. توفیق، فیروز. برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶.
۱۳. خاموشی، علینقی. موافقان و مخالفان کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصاد، ۱۳/۵/۱۳۸۷.
۱۴. دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸، شماره ۱۵۶۷۸۹/۲۵۳/۷۴/۲۲.
۱۵. روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، توضیح بانک مرکزی در مورد سهم تورم وارداتی از تورم کشور، سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ مرداد ۱۳۸۷.
۱۶. روابط عمومی بانک مرکزی، محاسبه نرخ ارز به روش برابری قدرت خرید، اشتباه است، حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۳/۹/۱۴.
۱۷. رحیمی، حمید و مسعود طاهری‌نیا. رابطه انتقالی نرخ ارز و تراز تجاری ایران، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۱۸. سالواتوره، دومینیک. مالیه بین‌الملل، نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۹. شاکری، عباس. عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳.



۲۰. شاکری، عباس. آثار یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مهر ۱۳۸۲.
۲۱. شاکری، عباس. تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل)، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۲. صمصامی، حسین. بررسی و تدوین الگوی تعیین نرخ ارز مناسب، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۸.
۲۳. ضرغامی، بابک. ارزیابی تأثیر نظام ارز شناور بر واردات، صادرات غیرنفتی و سطح عمومی قیمت‌ها، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۵.
۲۴. طیبی، سید کمیل و خدیجه نصراللهی. نقش متغیرهای اساسی در تبیین رفتار نرخ تعادلی بلندمدت ارز در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳.
۲۵. عبدی، بیژن. آزادسازی اقتصادی در فرایند جهانی شدن، مرکز مطالعات جهانی شدن ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
۲۶. عسگر اولادی، اسدالله. انتقاد عسگر اولادی از طرح خاموشی برای کاهش نرخ ارز، دنیای اقتصادی، ۱۳۸۷/۵/۱۶.
۲۷. عسگری، منصور. اثر نوسانات نرخ ارز بر عملکرد صادراتی صنایع منتخب در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بهمن ۱۳۸۶.
۲۸. عوامل مؤثر بر رشد صادرات غیرنفتی، گزارش نهایی نشده، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۹. فزونی، فرهاد. چه کسانی از کاهش نرخ ارز خوشحال می‌شوند؟! دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷/۵/۱۶.
۳۰. فتحی، قره‌گونی. بررسی کشش‌پذیری صادرات صنعتی نسبت به تغییرات نرخ ارز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
۳۱. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تأیید مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ شورای نگهبان.
۳۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳۳. کمیجانی، اکبر و آقامیر کلایی. گذر از نظام چندگانه ارزی به نظام نرخ واحد ارز: دغدغه‌ها و دستاوردها، نشریه مجلس و پژوهش شماره ۲۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۴. گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶، شماره ۲۲/۷۳/۲۵۳/۹۳۰۵۱.
۳۵. گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۹، شماره ۲۲/۷۳/۲۵۳/۱۰۲۰۳.
۳۶. مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳.
۳۷. عسگرزاده، منصور و سیدحمیدرضا اشرف‌زاده. آثار سیاست‌های تجاری و ارزی بر تجارت کالاهای صنعتی در ایران، پژوهشنامه بازرگانی، تابستان ۱۳۸۵.
۳۸. ناگرهای اقتصادی، سه‌ماهه اول ۱۳۸۷، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۲، مهر ۱۳۸۷.
۳۹. نامه دفتر آمار و فراوری داده‌های وزارت صنایع و معادن به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۰، به شماره ۷۲۵۱۷.
۴۰. نوفرستی، محمد. بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا، مجله تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۸۴.



۴۱. یآوری، کاظم. تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴.

42. Nasser Sherafat, Hussain Samsami, Mehdi Sadeghi, Inflation Targeting Exchange Rate Policy For Oil Producing Country : the Case of Iran, International Research journal of Finance & Economics, Issue 12, 2007.

43. Salvatore, Dominic, International Economics John Wiley & Wiley & Sons, 2007.





شماره مسلسل: ۹۷۴۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی)

تهیه و تدوین: سیدمحسن علوی‌منش

همکار: سعید غلامی‌باغی

ناظران علمی: فتح‌الله تاری، رؤیا طباطبایی‌یزدی

مناقضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. نرخ ارز (Exchange Rate)

۲. صادرات (Exports)

۳. نظام ارزی (Exchange Regime)

۴. واردات (Imports)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۴/۸